هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



دور هفتم سال پنجم شمارهٔ شانزدهم چهارشنبه ۱۱ اسد ۱۳۸۵ ۷ رجب المرجب ۱۴۲۶ — August 2 , 2006

# نشست سه جانبهء سران کشورهای فارسی زبان

## افغانستان، ایران و تاجیکستان



**رئیس جمهوری اسلامی افغانستان:**

**کشورما از هر توافقی که میان سه کشور منعقد شود نفع خواهد برد و احداث خط آهن، و انتقال برق و اتصال جاده ها و ترانزیت کالاها آرزوی افغانستان است**

**رئیس جمهوری اسلامی ایران:**

**اشتراکات میان این سه کشور به قدری زیاد است که مرز بندی دقیق میان این کشورها را مشکل کرده است و دین و زبان و فرهنگ و فرصت ها و ظرفیت های فراوان و تهدیدهای مشترک، سرنوشت این ملت ها را به هم پیوند زده است**

**رئیس جمهوری تاجیکستان:**

**ما به عنوان سه کشور مسلمان می توانیم علاوه بر گسترش ارتباطات فرهنگی خود در خصوص حفظ و گسترش دین مبین اسلام در جهان نیز تلاش کنیم**

ادامه در ص۲

### اعلامیهء جمعیت اسلامی افغانستان در

## نکوهش کشتار جمعی مردم قانا توسط اسرائیل

نیروهای تجاوزگر اسرائیل روز یکشنبه ۸ / اسد ۱۳۸۵ پیش از بامداد دست به یک فاجعهء انسانی یازیدند.

در این حادثه در حدود ۶۰ تن از کسانی که از بیم آتش اسرائیلیان خانه های شان را ترک کرده و در ساختمانی در روستای قانا پناه گرفته بودند به شهادت رسیدند، بیشتر این قربانیان را بر بنیاد گزارش های رسانه های بین المللی کودکان تشکیل می دادند و اکثر باقی را زنان.

این حادثه توسط بمباران اسرائیل شب هنگام رخ داد و تا ساعت ۸ و ۹ روز گروه های نجات رسیدند. همهء قربانیان چندین ساعت را در زیر آوار ماندند.

این حادثه سیمای جنگ افروزانه و غیر انسانی اسرائیل را بیشتر هویدا کرد و موجب نکوهش آن در سراسر جهان شد. ما در جمعیت اسلامی افغانستان این عمل غیر انسانی و دد منشانهء اسرائیل را شدیداً



محکوم می کنیم و مجدداً ضمن نکوهیدن حمله و تجاوز اسرائیل بر شهرهای فلسطین و خاک لبنان از همه مجامع بین المللی، شورای امنیت، سازمان های کشورهای اسلامی و جامعهء عرب و نهادهای حقوق بشر می خواهیم که برای هر چه زودتر پایان دادن به این جنگ ویرانگر تلاش کنند و برای برقراری آتش بس فوری اقدام ورزند.

جمعیت اسلامی افغانستان به این باور است که این جنگ افروزی اسرائیل راه های رسیدن به صلح و امنیت پایدار را در خاورمیانه و منطقه شدیداً آسیب می رساند و موجب گسترش تروریسم می گردد. یکی از راه های مهم مبارزه بر ضد تروریسم وادار کردن اسرائیل به دست برداشتن از جنایت و تجاوز بر فلسطینیان و مردمان کشورهای دیگر منطقه است.

**جمعیت اسلامی افغانستان**
**دفتر مرکزی**
**کابل / افغانستان**
**مؤرخ ۱۰ اسد ۱۳۸۵**

## د ارواښاد مولوی محمد یونس خالص فاتحه واخیستل شو

د جهادي مشر ارواښاد مولوی محمد یونس خالص فاتحه د اسد په لسمه د هغه د کورنۍ د غړیو او یو شمیر جهادي شخصیتونو له خوا د عیدګاه په جامع جوماتکې واخیستل شوه، چې ګڼ شمیر هېوادوالو په کې برخه واخیسته.

دغسې د اسد په نهمه د جلال آباد د هډې په فارم کې د ارواښاد فاتحه واخیستل شوه، خو د مراسمو په ترڅ کې د هېواد دښمنانو په یو ترهګر برید کې اته تنه هېوادوال شهیدان او 16 تنه یې ټپیان کړل او مجاهد وطنوال چې د خپل مشر پر ویرناست و ویر یې لاپسې زیات شو.

جمعیت اسلامي افغانستان د ارواښاد مړینه د هغه غمځپلې کورنۍ ته تسلیت وايي او له دولت نه یوځل بیا غواړي چې د هغه مرحوم له کورنۍ سره په تفاهم کې هلې ځلې وکړي چې جنازه یې خپل ټاټوبي افغانستان ته راوستل شي.

# مجلس نمایندگان عبدالسلام عظیمی را به عنوان رئیس ستره محکمه رأی اعتماد داد

## مادهء ۱۰۶ قانون اساسی بازهم مورد بحث قرار گرفت



مجلس نمایندگان آقای عبدالسلام عظیمی را با دادن ۱۵۸رأی، به عنوان رئیس ستره محکمه تأیید کرد. موصوف اولین کسی است که در مدت بیش از پانزده سال در تاریخ کشور که در رشتهء فقه و قانون تحصیلات عالی دارد و به عنوان رئیس ستره محکمه انتخاب می شو.

شش عضو دیگر دادگاه عالی افغانستان که از سوی رئیس جمهوری به منظور گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی گردیده بودند در نتیجهء رأی گیری که در این مجلس صورت گرفت پنج تن آنان با کسب اکثریت آرا به عنوان اعضای دادگاه عالی افغانستان شناخته شدند. اما در این میان، بر سر مسالهء عضویت آقای محمد قاسم هاشمزی، در شورای عالی دادگاه عالی به دلیل کسب رأی اکثریت ساده در نشست بعدی مجلس نمایندگان بحث صورت خواهد گرفت.

قابل تذکر است که در جریان رأی دهی مجلس نمایندگان به اعضای کابینهء کشور سه تن از وزرا نیز رأی اکثریت ساده را کسب کرده بودند که تفسیر مادهء ۱۰۶ قانون اساسی افغانستان مبنی بر این که آیا رأی ممتنع حاضر شمرده می شود یا خیر؟ بحث هایی طولانی را در مجلس نمایندگان بر انگیخت و سرانجام این مجلس تفسیر قانون را به رئیس جمهور محول کرد و رئیس جمهور افغانستان نیز هیأتی از دادگاه عالی را مؤظف به تفسیر این ماده کرد که در نتیجهء تفسیر این ماده از سوی هیأت دادگاه عالی، سه تن از وزرا که رأی اکثریت ساده را به دست آورده بودند، به عنوان اعضای کابینه شناخته شدند. اما این که مجلس نمایندگان به چه دلیلی این بار عملکرد قبلی خویش را قابل تطبیق نمی داند، و یا مسأله را به ریاست جمهوری تفویض نمی کند؟ معلوم نیست. دیده شود که مجلس نمایندگان در این مورد چگونه تصمیم خواهد گرفت.

همچنان در مجلس نمایندگان بر سر تابعیت دوگانهء سه تن از اعضای دادگاه عالی افغانستان نیز بحث صورت گرفت که پس از گفتگوهای طولانی فیصله شد تا این افراد در مورد انفصال تابعیت دوم خود ظرف دو ماه آینده اقدام کنند. ادامه در ص۶

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی : ۲۷۶

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahid1357.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

# نشست سه جانبهء سران کشورهای فارسی زبان

## افغانستان، ایران و تاجیکستان



دو شنبه پایتخت تاجیکستان روز پنجشنبه ۵ اسد ۱۳۸۵ شاهد برگزاری اجلاس سه جانبهء سران کشورهای افغانستان و ایران و تاجیکستان بود.

در این نشست روسای جمهوری این سه کشور حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان و محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران و امام علی رحمانوف رئیس جمهور تاجیکستان نخست یک به یک در پشت دروازه های بسته به گونهء خصوصی به گفتگو پرداختند و سپس به مذاکرات رسمی آغاز کردند.

مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و راه های گسترش همکاری مشترک سه جانبه دربارهء انرژی، حمل و نقل و مسائل فرهنگی محورهای مهم گفتگوهای این سه رئیس جمهور را تشکیل می داد.

در پایان این مذاکرات ۵ سند همکاری میان سه کشور اشتراک کننده در این نشست به امضای رئیسان جمهور افغانستان و ایران و تاجیکستان رسید، بدین شرح:

۱. اعلامیهء مشترک سه کشور فارسی زبان به امضای سه رئیس جمهور.

۲. یاد داشت تفاهم همکاری های اقتصادی به امضای وزیران بازرگانی ایران و وزیر بازرگانی و اقتصاد تاجیکستان و وزیر خارجهء افغانستان.

۳. یاد داشت تفاهم همکاری برای مبارزه با مواد مخدر به امضای وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان و وزیر خارجهء ایران و وزیر خارجهء تاجیکستان.

۴. یاد داشت تفاهم همکاری برای مبارزه بر ضد تروریسم به امضای وزیران خارجهء افغانستان و ایران و تاجیکستان.

۵. آئین نامهء حمل و نقل مشترک سه کشور به امضای وزیر راه و ترابری ایران و وزیر حمل و نقل تاجیکستان و وزیر خارجهء افغانستان.

این موافقت نامه ها و تفاهم نامه ها زمینهء همکاری میان این سه کشور هم زبان و هم فرهنگ را مشخص می سازد. رئیسان جمهور پس از امضای این اسناد در یک کنفرانس خبری حاضر شدند و دربارهء این نشست سخن گفتند. آنان همگی از فضای دوستانه و حسن تفاهم و احترام متقابل در این دیدار و مذاکرات رضایت ابراز و تاکید کردند که این نشست می تواند آغاری برای توسعهء روابط همه جانبه میان کشورهای شان باشد.

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران گفت: "ایران و افغانستان و تاجیکستان سه کشو مهم منطقه با ملت هایی دارای روابط طولانی و عمیق و قدیمی مشترک هستند" و افزود: "اشتراکات میان این سه کشور به قدری زیاد است که مرز بندی دقیق میان این کشورها را مشکل کرده است و دین و زبان و فرهنگ و فرصت ها و ظرفیت های فراوان و تهدیدهای مشترک، سرنوشت این ملت ها را به هم پیوند زده است."

رئیس جمهور ایران علاوه کرد: "سه کشور همچنین در زمینهء خدمات فنی، مهندسی و سرمایه گذاری های مشترک و صنعت به ویژه ماشین آلات کشاورزی، و خودرو و لوازم خانگی، و معدن کشاورزی، و دامداری باید همکاری هایی گسترده تر داشته باشند."

احمدی نژاد گفت: "ما می دانیم همکاری گسترده میان ملت های مان مخالفانی نیز دارد، کسانی که دوست ندارند روابط سه کشور هم دین و هم زبان در منطقه توسعه یابد، قصد دارند با ایجاد فاصله میان این کشورها از راه های دور و نزدیک به منطقه نفوذ کنند و ثروت ها و منابع ملت ها را غارت نمایند. اما ایران و افغانستان و

**این سه کشور همسایه هم دین و هم زبان و هم فرهنگ اگر بتوانند مجدانه در جهت رفع نیازمندی های یک دیگر تلاش کنند و ظرفیت های فراوان بالفعل و بالقویهء خود را توسعه دهند، بی تردید در جهت توسعهء اقتصادی، فرهنگی و تأمین صلح و ثبات در منطقه گام هایی بلند برخواهند داشت**

***

**در خلال این گفتگوها جهت تقویت فرهنگ مشترک به مثابهء زمینهء بنیادین همکاری های چند جانبه میان این کشورها مسألهء ایجاد یک شبکهء تلویزیونی مشترک به زبان فارسی مطرح شد**

تاجیکستان با وجود این همه مشکلات [illegible] در پی گسترش همکاری ها در [illegible] سطوح هستند.

سپس حامد کرزی رئیس جمهور کشورمان سخن گفت. او از فرصت به دست آمده برای گرد هم آمدن مسؤولان سه کشور هم زبان و هم فرهنگ را مغتنم شمرده [illegible] ابراز خشنودی کرد و گفت: سخنان رئیس جمهور محترم ایران، سخن مشترک هر سه رئیس جمهور بود و این سه کشور باید افزون بر تقویت مبادلات اقتصادی و تجاری خود [illegible] محور پیوند مستحکم فرهنگی [illegible] کشور که مظهر آن رودکی و فردوسی و [illegible] هستند، هرچه بیشتر تلاش کنند.

رئیس جمهور کشور افزود: در پیوند سه جانبهء [illegible] و افغانستان و تاجیکستان از افغانستان فقط و فقط انتظار همکاری می [illegible] و چرا داشته باشید: چرا سه کشورها از هر توافقی که میان سه کشور منعقد شود نفع خواهد برد و احداث خط آهن، و اتصال برق و اتصال جاده ها و ترانزیت کالاها از روی افغانستان است.

امام علی رحمانوف، رئیس جمهور تاجیکستان نیز به عنوان رئیس این اجلاس [illegible] سخنانی با تایید اظهارات روسای جمهور ایران و افغانستان، این مذاکرات را واقعه یی تاریخی دانست و تصریح کرد: در ادامهء مذاکرات [illegible] میان سه کشور دوست و برادر، [illegible] مذاکرات می تواند زمینه ساز رشد و پیشرفت سریع ایران، افغانستان و تاجیکستان باشد که لازمهء آن اکتفا نکردن به حرف و اجرای جدی توافقات در عمل است.

وی با استقبال از برگزاری سالانه حد اقل یک نشست با حضور روسای جمهور سه کشور پیشنهاد کرد تا پایان امسال یک نشست در یکی از شهرهای ایران برگزار شود که با [illegible] رئیس جمهور دیگر مواجه شد.

رحمانوف همکاری [illegible] مبنای افزایش تولید و گسترش خطوط انتقال برق و ایجاد خط آهن مشترک میان سه کشور را عامل اساسی توسعه و پیشرفت روز افزون روابط [illegible] دوشنبه و تهران بیان کرد و افزود: ما به عنوان سه کشور مسلمان می توانیم علاوه بر گسترش ارتباطات فرهنگی خود در خصوص حفظ و گسترش دین مبین اسلام در جهان نیز تلاش کنیم.

رئیس جمهور تاجیکستان با تأکید بر این که جمهوری اسلامی ایران کشوری پیشرفته و [illegible] ظرفیت های فراوان در ابعاد مختلف اقتصادی، فنی و مهندسی، ارتباطی و [illegible] است [illegible] می تواند علاوه بر کمک به تاجیکستان و افغانستان برای پیشرفت، منابع نیازمندی دو کشور [illegible] خود به تاجیکستان [illegible] و [illegible] همکاری سه کشور در زمینه تأمین منابع مالی پروژه های [illegible] کنفرانس اسلامی، [illegible] توسعهء اسلامی و بانک [illegible] جمع [illegible] خواهد شد.

[illegible] ضرورت تقویت [illegible] اقتصادی موجود [illegible] سه کشور به ویژه سازمان همکاری های اقتصادی اکو [illegible] کرد.

در این [illegible] رئیسان جمهور سه کشور همچنان موافقت [illegible] گرفت که [illegible] مشترک سه جانبه به ریاست وزیری خارجه سه کشور جهت اجرای این توافق نامه ها و بررسی مسائل مورد علاقه تشکیل شود که در سال حد اقل دو جلسه برگزار کند و نخستین جلسهء آن حد اکثر دو ماه بعد [illegible] برگزار خواهد شد، و نیز توافق شد که رئیسان جمهور سه کشور لااقل در هر سال یک نشست در یکی از سه کشور داشته باشند.

در خلال این گفتگوها جهت تقویت فرهنگ مشترک به مثابهء زمینهء بنیادین همکاری های چند جانبه میان این کشورها مسالهء ایجاد یک شبکهء تلویزیونی مشترک به زبان فارسی مطرح شد.

این سه کشور همسایه هم دین و هم زبان و هم فرهنگ اگر بتوانند مجدانه در جهت رفع نیازمندی های یک دیگر تلاش کنند و ظرفیت های فراوان بالفعل و بالقویهء خود را توسعه دهند، بی تردید در جهت توسعهء اقتصادی، فرهنگی و تامین صلح و ثبات در منطقه گام هایی بلند برخواهند داشت.

همچنان در این سفر رئیس جمهور به تاجیکستان سه موافقت نامهء دوجانبه در زمینه های تبادلهء زندانیان، معارف و تحصیلات عالی به امضا رسید و رئیس جمهور و هیات همراهش ظهر روز جمعه به وطن بازگشتند.

# نړیوال د افغانستان د باتور خلکو منندوی دی

عبدالباقي

د اسد په 9 مه په کندهار کې ناټو د ترهګرې پرضد مبارزې عمومي قومندانی ترلاسه کړه.

په هغو مراسمو کې چې په دې اړه جوړ شوي وو، د ناټو مسوول وویل "د افغانستان باتورو خلکو چې د پخواني شوروي اتحاد د یرغل په مقابل کې په میړانه وجنګیدل او نړۍ یې د کمونیزم له منګولو څخه وژغورله، نو ځکه ګرده نړۍ له دوی نه ممنونه ده. خو دا چې د مجاهدینو له بریانه وروسته نړیوالو دې هېوادته شاکړه: نو ډول ډول نا دودې په کې راوټو کېدې، چې یوه یې هم طالبان وو؛ خو تر دې وروسته به هیڅکله دا پېښه تکرار نه شي او نړۍ به دا هېواد خانته پرې نه ږدي او د ناټو پر غړیو هېوادونو سر بېره نور هېوادونه هم په افغانستان کې د ثبات راوستو په عملیه کې برخمن دي چې په دې توګه ۳۷ هېوادونه تیغ په تیغه په دې هېواد کې د امنیت، ثبات، پرمختګ او پراختیا په لاره کې پر مبارزه لګیا دي او دوی هوډ نه لري چې پر شا به لاړ شي"

په ۱۳۷۱ کې او وروستي کلونوکې به د افغانستان د اسلامي دولت رئیس استاد رباني نړیوالو ته دا په تکراره

وویل، چې په افغانستان کې بې ثباتي په نړۍ کې د بې ثباتۍ پیلامه کیدای شي نو ځکه د پردیو د لاسوهنو په مقابل کې زمونږ لاسنیوی وکړئ خو دا چې د سپتمبر دیولسمې پېښه رامنځ ته شوه؛ نو بیا د نړیوالو سیاسي عقل سرته راغی او له مجاهدینو سره په تفاهم یې په هېواد کې د ترهګرو تخته واړوله.

د ۱۳۸۰ل راهیسی چې د امریکا په مشرۍ نړیوالو ټلواله له ترهګرۍ سره په مبارزه اخته وه، لکه څنګه چې ښایي هغسې یې مطلوبې پایلې نه دي ترلاسه کړي حتی پر عکس په ځینو سیمو کې د نامناسبو کړنو له امله د ترهګرو د راټو کېدو باعث شوي دي. خو اس چې ناټو دا مشري پر غاړه واخیسته: ښایي چې له تېرو تېر وتنو عبرت واخلي او د هېواد په دننه کې او هم په سیمه کې په داسې فعالیتونو لاس پورې کړي چې د ترهګرۍ جرړلې غوڅې شي. امن او ثبات راشي او د پرمختګ لپاره لار اواره شي.

طمع ده، چې ناټو به د افغانستان د ملي اردو او ملي پولیسو د تکمیل او پیاوړتیا لپاره اغېزمن ګامونه پورته کړي. دغسې له دولت نه هم توقع ده، چې د اداري سمونو له لارې نه د با کفایته وګړیو پر ټاکنه لاس پورې کړي او هغه د ننې عوامل، چې د ترهګرو د راټوکېدو لپاره لاره چاره برابروي له منځه یوسي.

داسمه ده، چې بهرنۍ لاسوهنې د هېواد په بې ثباتۍ کې مهم فاکتور دی؛ خو د دولتي اداري ضعف یې تر یوه حده اور لړومي دی.

له بلې خوا، هېوادوال هم باید پوه شي، چې ترڅو به پر نړیوالو ځان ساتو، راځئ چې له دې اوسنیو شرایطو څخه ګټه واخلو او د زړه له کومي نه په یوه خوله د بې ثباتۍ د پای ته رسولو لپاره په ملي مبارزه لاس پورې کړو او د دولت او ولس ترمنځ د بیلتون کرښه و نه کاږو؛ بلکې ټول باید د با ثباته نظام جوړولو لپاره متې رابډ وهو.

جمعیت اسلامی افغانستان لکه څنګه چې د جهاد، مقاومت او اوسني اسلامي جمهوری دولت په راتلو کې یې بنیادي ونډه لرله اوس هم په هېواد کې د امن، ثبات راوستو لپاره هوډمن دی او د نړیوالو مناسبو شرایطونه په ګټې اخیستې سره ټول هېوادوال دې ته رابولي، چې په ټینګ ملي هوډ او دیني غښتلي روحیه اوسنی بې ثباتي پر ټینګ ثبات واړوي. د هغې ورځې په هیله، چې په ګرد افغانستان کې بشپړ امن او پراخه سوکالي وي.

# زندگی سیاسی استاد توانا

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

همان گونه که در فشردهٔ زندگی نامهٔ استاد توانا به مناسبت درگذشت آن مرحوم در شمارهٔ پیشین یاد آور شدیم، پهلوی زندگی و شخصیت علمی او نسبت بـه سائر پهلوهای زندگی اش از گیرایی و جاذبهٔ بیشتری برخوردار است و بایسته می نماید که همراهان مبارزاتی و یاران هم اندیشه و دوستان او، کار شایسته یی را در چهره نمایی شخصیت علمی وی در بخش فکر و اندیشه به ویژه کار بزرگ او در پیرامون گسترهٔ اصول فقه اسلامی انجام دهند.

ولی این برازندگی او در پهنهٔ دانش های اسلامی هرگز گویای آن نخواهد بود که زندگی او را تنها در بعد دانشوری اش در کانون توجه قرار داد و دیگر پهلوهای زندگی اش را مغفول گذاشت.

استاد توانا که در جرگهٔ پیشکسوتان خیزش اسلامی افغانستان از چهره های شناخته شده و انگشت نما به شمار می رفت، در مرحله یی پا و قد کشید که کشورش افغانستان آبستن مبارزه میان دو منظومهٔ فکری یی بود بیگانه با هویت تاریخی و بافت عقیدتی آن. استاد توانا با قد کشیدن در چنان حال و هوایی، با شماری از همکاران خویش در هوای آن شد که راه سیاسی جدا از آن دو راهی را که - پیشتر بدان اشارت رفت - برگزینند که آبشخور آن را گذشتهٔ تاریخی و هویت دینی این مرز و بوم سامان می بخشید. گرچه به گفتهٔ ارسطو: "انسان در ماهیت و سرشت خود موجودی است سیاسی" ولی طوری که از فحوای گفته های او در مقدمهٔ نوشته اش پیرامون "حقایق نهضت اسلامی افغانستان" چنین به نظر می آید که اواسط دههٔ سی خورشیدی زادگاه گرایش سیاسی او به شمار می رود.

آری همین پیشینهٔ تاریخی و دینی و ظهور جریان های ناهمسو به آن ها، انگیزهٔ آن شد که هسته برای تلاش ها و کنش های سیاسی با رنگ اسلامی پایه گزاری شود و توانا تنی بود از انگشت شمار تن هایی در این راستا.

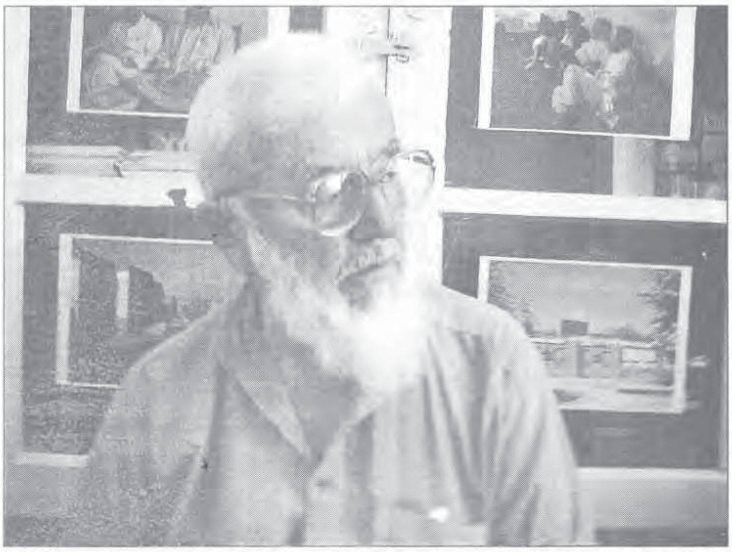
در همین دوران است که وی با همراهان خود گام هایی را در راه سر و سامان دهی یک جریان سیاسی با درونمایهٔ اسلامی بر می دارند. من پیش از آن که شامل دارالعلوم عربی کابل شوم بنا به هم ولایتی بودن با استاد توانا آشنایی پیدا کردم و حرف هایی فراتر از گفتمان های رایج آن وقت پیرامون پویایی اندیشهٔ اسلامی از استاد توانا شنیدم و این گفتمان ها آنگاه در ذهنم جانشین شد که شامل دارالعلوم عربی کابل شدم که استاد توانا کتاب عدالت اجتماعی در اسلام، نوشتهٔ سید قطب را که ترجمهٔ شاه محمد رشاد بود، برایم داد.

آنگاه دریافتم کسانی هستند که به نام اسلامی در پویش و حرکتند و استاد توانا هم یکی از چهره های بارز این مجموعه به شمار می رفت و من از همین طریق با استاد ربانی آشنایی پیدا کردم. استاد توانا در این دوران به حیث یک دعوتگر درمیان محصلان پوهنتون عنوان یافت و پیروان جریان های به اصطلاح چپ سیاسی برخوردار از تأیید شخصیت های حقیقی و حکمی آن دوران، او و نمونه های او را به نمایندگان و طلایه داران این جریان یاد می کردند.

استاد توانا من و چندین تن از برادرانی را که در هستهٔ او قرار داشتیم به استاد ربانی و استاد نیازی معرفی کرد.

استاد توانا با رفتن به مصر و شمولیت در دانشگاه الأزهر با برخی از اعضای هستهٔ اولی نهضت از جمله وفی الله خان سمیعی به نمایندگی از جریان اسلامی افغانستان در اتحادیهٔ محصلان افغانی در قاهره به فعالیت و کار و تلاش آغاز کرد. استاد توانا در این دوره در پهلوی سایر برادران وابسته به نهضت، از شخصیت های محوری در قطب بندی های اتحادیهٔ محصلان مورد شناسایی قرار گرفت. استاد توانا پس از بازگشت به میهن به حیث یک شخصیت علمی در محراق توجه جوانان مسلمان قرار گرفت و با برگزاری نخستین گردهمایی نهضت اسلامی افغانستان در چهارچوب یک سازمان فراگیر به نام جمعیت اسلامی افغانستان، عهده دار کمیتهٔ فرهنگی جمعیت گردید و بر پایهٔ فیصلهٔ شورای اجرایی جمعیت اسلامی افغانستان نخستین درس های فکری را برای هسته های دانشجویان و دانش آموزان در دانشگاه و مکاتب آماده و از طریق افراد مسؤول پخش می کرد.

با زندانی شدن و مهاجرت شماری از اعضای هیأت رهبری جمعیت اسلامی افغانستان، بعد از کودتای داوود خان، استاد توانا به گونهٔ مخفی



رهبری اعضای جمعیت را در داخل بر اساس هدایت رهبری جمعیت در پیشاور، عهده دار گردید.

در دوران جمهوری داوود خان، آنگاه که حزب "غورزنگ ملی" پایه گزاری گردید توسط وفی الله سمیعی - که در این وقت برخلاف شخصیت اولی خود - به حیث یک چهرهٔ مطرح در غورزنگ ملی شناخته می شد، از استاد توانا دعوت به عمل آورد که با حزب داوود خان همکاری نماید، اما استاد توانا آنگاه که به درخواست وفی الله خان پاسخ منفی داد، در برابر حرف های تهدید آمیز وی از طرف نظام به گونهٔ مسخره آمیز گفت: خیر است "آنچه از حرکت ما نا... باقیمانده آن را نظام شما قطع کند".

**استاد توانا که در جرگهٔ پیشکسوتان خیزش اسلامی افغانستان از چهره های شناخته شده و انگشت نما به شمار می رفت، در مرحله یی پا و قد کشید که کشورش افغانستان آبستن مبارزه میان دو منظومهٔ فکری یی بود بیگانه با هویت تاریخی و بافت عقیدتی آن**

استاد توانا برای پیشبرد کارهای سیاسی جمعیت را در آن وقت که هرگونه فعالیت مستقیم پیامدهای مخوفی را در پی داشت، دارالوکاله یی را همراه با استاد حسین تأسیس کرد و از همین جا کارهای سیاسی مربوط به جمعیت را پیش می برد و حتا دفاعیه های برخی از برادران زندانی هم از همین طریق آماده و به آنان فرستاده می شد.

استاد توانا در این وقت به عنوان یک حلقهٔ وصل میان رهبری جمعیت در پیشاور و برادران جمعیت در داخل، برخی کارها را انجام می داد و محصلان و جوانان در کارها از وی هدایت می گرفتند.

در دوران جمهوری داوود خان مجالسی که توسط برادران نظر به نیاز دایر می شد استاد توانا به حساب جمعیت از آن ها ریاست می کرد.

شهید انجینر احمدشاه مسعود آنگاه که در سال ۱۳۵۶ جهت انجام کاری از پیشاور به کابل آمد چندین جلسه یی را تحت ریاست استاد توانا به اشتراک استاد احمدزی شهید و سید نور الله و... دایر کرد و تصامیمی در روشنایی اطلاعات ارایه شده از طرف شهید مسعود از اوضاع پیشاور، اتخاذ گردید.

### استاد توانا بعد از هجرت به پیشاور

بعد از کودتای ثور استاد توانا بعد از مشوره با تعدادی از برادران از جمله نویسندهٔ این مقال، راهی دیار هجرت گردید و در آنجا ضمن پیشبرد کارهای دیگر سازمانی در جبههٔ نجات ملی که به حیث طرحی از طرف جمعیت جهت ایجاد یک جبهٔ وسیع در برابر رژیم مزدور تأسیس گردیده بود به حیث منشی کار می کرد.

استاد توانا افزون بر این کارهای مقطعی، در نقش عضو شورای اجرائیهٔ جمعیت، معاون جمعیت، کفیل جمعیت و عضو شورای اتحاد هفتگانهٔ مجاهدین کار نموده و به نمایندگی از جمعیت در ترکیب هیأت ها روانهٔ مصر و ترکیه گردیده است.

### مواضع سیاسی استاد توانا

استاد توانا با آن که شخصیت عاطفی داشت در بازی های سیاسی پیشاور، آگاهانه گام بر می داشت و کوشش می کرد تا در مرحلهٔ نخست از هویت طرف بازی آگاهی کامل یابد و بعداً وارد مذاکره شده و برخلاف سیاست کجدار و مریز حاکم بر سازمان ها، مواضع قاطعانه اتخاذ می کرد. استاد توانا بر بنیاد همچو دیدی در بازی اتحاد سازی های مجاهدین در پیشاور که اکثر بر بنیاد فشارهای دوستان عرب جهاد و میزبانان صورت می گرفت، اتحاد مزجی سازمان ها را مردود دانست و طرفدار ائتلاف مجاهدین در چهارچوب سازمان های جهادی گردید و بیشتر بر صداقت در اتحاد ها تاکید داشت تا شعارهای عوام فریبانه.

سیاست او در سطح سازمان به صورت عموم بر مقولهٔ "من یک سخن روشن دارم" استوار بود و هرگونه دو رویی در سطح سازمان را شدیداً محکوم می کرد و مخالفت و موافقت او با اشخاص و گروه ها و رهبران سازمان های جهادی بر بنیاد ارزش ها بود نه نفع گرایی مرحله یی.

استاد توانا با وصف آن که تحت تأثیر دوستی قرار می گرفت ولی آن گاه که قناعت داده می شد موضع خود را تغییر می داد.

استاد توانا در زندگی سیاسی خویش هرگز از استبداد رأی کار نمی گرفت و همواره قضایای درون حزبی را از طریق مشوره با برادران حل و فصل می کرد و هرگز در امور مربوط به سازمان شخصاً تصمیم نگرفت و به ملزم بودن شوری باورداشت.

استاد توانا بر بنیاد اتخاذ همچو سیاستی همواره مخالفانی داشت که او را متهم به سمت گرایی می کردند و چنین وانمود می کردند که گویا استاد توانا و گروه او دائرهٔ فراگیری سازمان را محدود ساخته اند.

استاد توانا بر بنیاد همچو یک سیاستی آن گاه که از طرف رهبری جمعیت مسؤول توزیع سلاح جهاد گردید، کوشش می کرد جبهات واقعی جمعیت را مسلح سازد و سعی به خرج می داد تا سلاح از طریق محورهای صادق جمعیت در داخل به اشخاص واقعاً مجاهد توزیع گردد به گونه یی که سعی داشت سلاح پروان و کاپیسا را از طریق شهید مهندس احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور و سلاح مزار شریف و بلخ را از طریق ذبیح الله خان و سلاح بغلان را از طریق عبدالحی خان و لغمان را از طریق شهید طارق توزیع نماید.

استاد توانا هنگامی که گزارش هایی در تنگنا قرار گرفتن جبهات اساسی جمعیت را از رهگذر سلاح و پول می شنید، تلاش می کرد که هرچه در گدام های جمعیت موجود است در اختیار جبهات واقعی قرار داده شود.

به یاد دارم زمانی که جبههٔ پنجشیر در چنین تنگنایی قرار داشت، شبی برادر مهندس محمد اسحق و ضابط آغاگل من را با خود گرفتند و به نزد استاد توانا روانهٔ دفتر دارالانشاء شدیم مهندس اسحق ضرورت

**استاد توانا در زندگی سیاسی خویش هرگز از استبداد رأی کار نگرفته و همواره قضایای درون حزبی و... را از طریق مشوره با برادران حل و فصل می کرد و هرگز در امور مربوط به سازمان شخصاً تصمیم نمی گرفت و به ملزم بودن شوری باورداشت**

های جبهه و مشکلات را از طریق نامه های آمر صاحب برایش بازگو کرد. مرحوم قلم را گرفت و ضرورت ها و مهمات لازم را نوشت و سپس از مهندس اسحق پرسید که تفنگ ۳۰۳ برهم کارهست؟

مهندس اسحق گفت: جبهه به سنگ تیز هم در برابر دشمن ضرورت دارد همان بود که استاد تعداد زیادی تفنگ های ۳۰۳ بر را عنوانی جبههٔ پنجشیر نوشت.

### استاد توانا پس از پیروزی مجاهدین در کابل

استاد توانا از سیاست های احیاناً کجدار و مریز جمعیت در پیشاور به ویژه در برابر رهبری حزب سخت به ستوه آمده بود. او هنگامی که به کابل آمد برای اولین بار با تعدادی از برادران به مرکز شهید احمد شاه مسعود رفت و هنگام دیدار با وی گفت من از برهمی و درهمی پیشاور خسته ام اکنون هر برنامه یی که باشد آمادهٔ تطبیق آن هستم. آمر صاحب شهید پس از مشوره با او تعدادی از برادران از جمله دکتر عبدالرحمن و آقای قانونی و دکتر عبدالحی و قاضی حکیم خان کنری را به شمول نویسنده وظیفه داد که تحت ریاست استاد توانا کار اساسنامهٔ جدید را شروع کنیم.

استاد توانا بعد از آمدن به کابل و درگیری هایی میان حزب و جمعیت سخت به ستوده آمده بود و همواره کوشش می کرد میان دولت، ژنرال دوستم و مزاری وحدت ایجاد شود تا در برابر بحران آفرینی های حزب مقاومت قوی صورت گیرد و برای افغانستان مخرجی پیدا شود ولی این سعی و تلاش او ثمری بار نیاورد.

به یاد دارم که باری در زمستان ۱۳۷۲ همراه با استاد توانا به نزد آمرصاحب شهید در بادام باغ رفتیم و استاد توانا وضع موجود را شرح کرد و خواهان برقراری روابط با ژنرال دوستم شد، آمر صاحب شهید پس از کالبد شگافی وضع عمومی حاکم و مشکلات موجود از سیاست بازی های اشخاص یاد شده گلایه کرد و گفت ما و شما نسبت به نیت پاک اسلامی فریب حرف های ظاهری آنها را می خوریم.

پیش از این استاد توانا چندین بار به حیث رئیس هیات های میانجی میان دولت و ژنرال دوستم کار کرد و به برداشت شخصی استاد توانا دولت مخصوصاً استاد و آمرصاحب شهید به پیشنهادهای او اهمیتی ندادند.

از طرف دیگر بی مهری هایی که از طرف برادران جمعیت در رده های بالا نسبت به استاد توانا صورت گرفت و ایفای نقش منفی برخی از دیوانگان قدرت در تشویق استاد توانا به ترک دولت منجر به آن شد که او صف همراهان قبلی خویش را ترک گوید. این اقدام استاد توانا به باور اکثر مجاهدین یکی از لغزش های او بود که استاد توانا دچار آن شد.

در یکی از مجالس که بعد از کودتای ۱۱ جدی در کارتهٔ پروان به اشتراک استاد ربانی و آمر صاحب شهید و داکتر عبدالرحمن و داکتر لفرایی و فهیم خان صورت گرفت برخی ها رفتن استاد توانا به مزار شریف را امری تلقی کردند ناپذیرفتنی. من برای شان گفتم که این لغزش استاد توانا را باید در روشنایی کارهایی بررسی کرد که نسبت به او انجام گردیده است اما با وصف آن هم استاد توانا در مزار شریف هرگز به کاری اقدام نکرد که موجب خجلت مجاهدین شود. او همواره طرفدار رفع تشنج بود و کوشش می کرد در نقش برقرار کنندهٔ تفاهم میان دولت و طرفداران دوستم کار نماید.

استاد توانا بعد از سقوط دولت مجاهدین توسط طالبان در ۱۳۷۵ از کارهای سیاسی کلاً کناره گیری کرد و به مشورهٔ علمی خویش به فحوای "المستشار مؤتمن" از هیچ گروهی و شخصی اعلان حمایت نکرد و کار اصلی و شغل شاغل خویش را در تدریس و تحقیق سپری کرد چنانچه شاگردان او در دانشگاه عبدالله بن مسعود از وی حکایت می کنند، می گفت: دعا کنید که جسدم را از همین صنف بردارند و همین آرزوی وی تحقق یافت. با یک تفاوت و آن این که نه در صنف درسی جان داد بلکه در خوابگاهش که برای آمادگی درس هایش به دور از خانواده اش در آن می زیست.

**روحش شاد و یادش گرامی باد**

# قصر و ترکیب در مثنوی

محمد اسحاق فایز

یکی از ویژه گی های هر شاعربزرگی دردنیا، احاطه و تسلطش بر زبان و یا زبان ها می باشد. حضرت جلال الدین محمدبلخی رومی، خالق مثنوی، بی شک از بزرکترین شاعران زمان خودش و زمان ما می باشد. مولانا شخصیت چند بعدی داشت: شاعر بزرگی بود. متصوف و سالک به جا رسیده یی بود. عارف و آموزگار و داستان پرداز بی مانندی نیز بود و افزون بر این ها او خالق بسیاری از اوزانی است که درعروض فارسی مانند نداشته از این رهکذرکلیات شمس به باغستانی می ماند که در آن گل های متنوعی می توان یافت.

به این معنی مولانا وزن شناس بزرگی نیز بود و هیچ شاعری هم در دنیا وجود نداشته است که آثارش از عرصه های مختلف مانند آثار مولانا این قدر مورد کنکاش و تحقیق قرار گرفته باشد.

مثنوی معنوی قرآن نیست ولی بسیاری از آیات قران کریم در آن با شرح و بیان عالمانه یی تفسیر و موشکافی شده است تا آن جا که این کتاب حالا در میان فارسی زبانان به قرآن پارسی اشتهار یابیده است.

کلام مولانا چنان ژرف و عمیق است که می توان در آن پر مایه ترین اندیشه های فلسفی عصر و زمانه را یافت و از این سبب من مدعی هستم که او فیلسوف بزرگی نیز بوده است - فیلسوفی که اینک بشر در آغاز سده، بیست ویک میلادی ، به آثار ش رجوع کرده است اندیشه، عقل و فلسفه را ازآن کمایی می کند.

خودش می گوید :

**هرکسی از ظن خود شد یار من**
**از درون من نجست اسرار من**

با این تفاوت که حالا اسرارمولانا جستجو می گردد. وقتی مثنوی، بزرکترین اثر ماندگار مولانا در هزاران مجلد در امریکا اقبال چاپ می یابد، معنایش این است که غرب صاحب تکنولوجی ودانش به مولانارجوع کرده است. مولانا از شمار کسانی است که به زبان مادری اش فارسی ــ دری و زبان عربی احاطه کامل داشته است. هم مثنوی و هم کلیات شمس آثاری هستند که چهره، مولانا را در عرصه، زبان شناسی به خوبی می نمایانند و بی مورد نیز نیست که مثنوی را قرآن پهلوی نامیده اند.

زبان مولانا درمثنوی همان زبان عصرش است، مملو از واژه ها و اصطلاحات عربی و گاه واژه هایی غیر از عربی و فارسی.

در این مختصر به مواردی از کار برد های مولانا اشاره می کنم که مولانا با آگاهی از زبان و ظرفیت های آن در دفاتر هفت گانه، مثنوی و غزلیات شمس به کار برده است.

برجستگی کار شاعران بزرگ از همین ناحیت نیز سنجش شده می تواند که آنها تا چه اندازه یی توانسته اند از ظرفیت های زبانی در بیان مطالب شان بهره برداری کنند.

زبان دری یکی از پر مایه ترین زبان هایی است که در آن از گذشته ها تا حال آثار ماندگاری مانده است و حتا توفان حوادث خونین تاریخ نتوانسته است زمانی که اشغالگران و استعمار چیان قصد داشتند این زبان را بردارند و زبان خودها را به جایش بگذارند. دلایل چندی برای این ناکامی می توان آورد و لی حال که مامانده ایم با زبان پربار دری، گوشه هایی از شگرد های مولانا را می آورم که در آن از این ظرفیت ها کار گرفته شده است.

یکی از برازندکی های زبان دری این است که می توان در آن ترکیب سازی کرد. این برای زنده ماندن و بیلانس کردن زبان نیز مهم است چه به مرور زمان زبان به مثابه، یک پدیده یی زنده می تواند تحول و تغییر پذیرد و غنی شود.

هنوز هم در مثنوی به واژه هایی بر می خوریم که از واژه های سچه و پاک زبان ما هستندکه با تأسف گذشت ایام و چپاول روزگار و شیوع وفورکلمات عربی آنها را از زبان محاوره، روزانه خارج نموده است.

آری ، مولانا با واژه ها بازی دقیق و حساب شده یی دارد . در این ساخت و ساز او از ظرفیت های زبان مادری اش استفاده کرده وگاهی به قصروگاهی هم به ترکیب سازی رجوع نموده و شکل هایی را به وجود آورده است که اکنون برای ما هم تازه است و هم از این رهگذز نامأنوس می باشد.

مولانا مخصوصاً در مثنوی معنوی اش این کار را به وفرت انجام داده و مثنوی از این بابت ، برازنده و بکر است.

باید در نظر داشت که مولانا گاه از روی عمد و گاه از سر ناگزیری دست به چنین کوتاهی ها و قصر آوردن هاو ترکیب سازی دست می زند ولی نکته، مهم در این راستا همانا زیبایی و تکنیک کاربرد این کار است.

بی وقوفی از قواعد زبان می تواند در هنگام اجرای چنین مهارت هایی زیان بار باشد و دیده می شود که مولانا با وقوف کامل به هرگونه قاعده و دستوری در عصرش درعرصه، زبان شناسی دست به این کار زده است.

من مواردی رابه عنوان نمونه می آورم (از مثنوی) ویاد آور می شوم که در مثنوی و غزلیات شمس از این شاهکاری های مولانا فراوان دیده می شود و یقیناً آوردن آن همه شاهد و نمونه مجال و فرصت زیادی را می طلبد:

**طفل بادایه نه استیزد ولیک**
**گرید او گرچه نه بد داند نه نیک**

(دفتر اول /۶۰۵)

دراین بیت مولانا با تکنیکی "نه می ستیزد" را این گونه آورده است : نه استیزد "اگر جفت می بودم" در شکل "گر جفتمی":

**با لب دمساز خود گر جفتمی**
**همچو نی من گفتنی ها گفتمی**

( دفتر اول / ۲۷)

"هرچه "در شکل قصرشده "هرچ":

**هرچ کردند از علاج و از دوا**
**گشت رنج افزون و حاجت ناروا -**

( دفتر اول / ۵۱)

ویا :

**ترجمانی هرچ مارا در دلست**
**دستگیری هرکه پایش درگلست**

(دفتر اول /۹۸)

ویا هم :

**هرچ گویم عشق را شرح وبیان**
**چون به عشق آیم خجل باشم از آن**

(دفتر اول /۱۱۲)

"چون که" و "که او" در اشکال "چونک" و" کو" :

**چونک آید اوحکیم حاذق است**
**صادقش دان کو حکیم و صادق است**

( دفتر اول /۶۴)

ویا :

**شمسْ جان کوخارج آمد از اثیر**
**نبودش درذهن و درخارج نظیر**

( دفتر اول /۱۲۱)

و باز هم :

**واجب آید چونک آمد نام او**
**شرح رمزی گفتن از انعام او**

(دفتر اول /۱۲۴)

"آنچ" مقصور "آن چه":

**بود اندر منظره شه منتظر**
**تابینند آنچ بنمودند سر**

( دفتر اول /۶۷)

ویا :

**آنچ داغ اوست مهر او کرده است**
**چارهٔ بروی نیارد برد دست**

(دفتر سوم /۲۶۳۳)

افزودن "الف " در اول واژه شکار برای ثبات وروانی وزن :

**روبهی اشکارخود را باد داد**
**بهر طبلی همچو خیکی پرزباد**

( دفتر دوم /۳۲۰۴)

ترکیب "که آلت" در شکل "کالت" مقصور"

**بس کسان را کالت پیکار کشت**
**بی رجولیت چنان تیغی به مشت**

(دفتر دوم /۳۲۱۱)

"می چسپی" در شکل غیر معمول "بر چسفی":

**تو چه بر چسفی بر این نام درخت**
**تا بمانی تلخکام و شور بخت**

(دفتر دوم / ۳۷۳۹)

"هرچه" در شکل قصر شدهٔ "هرچ" و "آن که" در شکل "آنک":

**هرچ اندیشی پذیرای فناست**
**آنک در اندیشه ناید آن خداست،**

( دفتر دوم / ۳۱۴۹)

تبدیل "از شتاب" به "زاشتاب" برای روانی و ثبات یابیی وزن :

**کارد را ز اشتاب کردی زیر خاک**
**از خیالی که بدیدی سهمنا'ک**

( دفتر سوم /۲۵۱۹)

استعمال حالت جمع برای "جادوگران" به شکل "جادویان":

**من به جادویان چه مانم ای و قیح**
**کز دمم پر رشک می کرد مسیح**
**من به جادویان چه مانم ای جنب**
**که زجانم نورمی گیرد کتب**

( دفتر چهارم /۲۳۸۴و۲۳۸۳)

استعمال "واگرتو "به شکل" ورتو":

**ور تو در کشتی روی بریم روان**
**ساحل یم را همی بینی دوان**

(دفتر چهارم /۲۳۸۹)

و جای دیگر :

**ور تو خوش باشی به کام دوستان**

**این جهان بنمایدت چون گلستان**

( دفتر چهارم / ۲۳۹۱)

"بدان که" به شکل "دانک":

**چشم احول در یکی دیدن یقین**
**دانک معزول است ای خواجه معین**

(دفتر چهارم /۲۴۱۴)

ارایه "پذیرفت" به شکل "پذرفت":

**این سخن پایان ندارد، مصطفی**
**عرضه کرد ایمان و پذرفت آن فتی**

( دفتر پنجم /۲۶۱)

آوردن "ور بد" بجای "اگر بود":

**ور بد او دی خام وزشت و در ضلال**
**چون عزا نامه سیه یابد شمال**
**ور بد او دی پاک و با تقوی و دین**
**وقت بیداری برد در یمین**

(دفتر پنجم / ۱۷۸۶و۱۷۸۵

کار برد "بدستش" به جای بود استش":

**کای ملایک باز آریدش بما**
**که بدستش چشم دل سوی رجا**

(دفتر پنجم / ۱۸۴۵)

مثنوی از بسیاری جهات به یک بحر بزرگی می ماند که در آن غواصان به قدر همت بهره می گیرند و این حقیر را چون یارای غوطه ور شدن در این بحر بیکران نیست، ساحل نشینی کردم و از تلاطم امواج به ساحل رسیده این قدر در چینی کردم. من آرزو می برم این مختصر گویای هزاران مواردی از این دست باشد که در آثار مولانا منجمله مثنوی معنوی او یافت می شود .

# سیستان، سرگذشت پر اسرار رودخانه و انسان

وحید مژده

### سیستان در گذشته های دور

سیستان منطقهء وسیعی است که امروز میان افغانستان و ایران تقسیم شده است. در گذشته های دور این منطقه یکی از مراکز مهم تمدن در این منطقه از جهان بوده است.

در تاریخ سیستان در مورد این که انسان ها از چه زمانی در این خطه مسکن گزیده اند آمده است که سیستان را گرشاسب بن اثرت بن شهر بن کورنگ بن بیداسب بن تور بن جمشید الملک بن نونجهان بن اینجهد بن اوشهنگ بن فراواک بن سیامک بن میشی بن کیومرث اساس نهاد. او به هنگام سفر به جایی رسید چون درخت انار و خرما در آنجا بدید، رغبت بناکردن سیستان نمود. شادروان عبدالحی حبیبی، سام بن اثرت (یا اثرط) را پهلوانی از خاندان سام سیستانی می داند که باید با گرشاسب بن زاب از شاهان پیشدادی اشتباه نشود.

... وبنا کردن سیستان آن روز بود که گرشاسپ دانایان جهان را گرد کرده بود که من شهری بنا خواهم کرد بدین روزگار که ضحاک همه جهان همی ویران کند و آزادگان جهان را همی کشد واز جهان به جادویی همی برکند، تا مردمان عالم را سامه (۱) باشد که او را بر شهری که من کرده باشم فرمان نباشد...(۲)

این که شهری بزرگ به فرمان یک پهلوان ه بمیان آمده باشد، می تواند بیشتر یک روایت حماسی باشد تا یک حقیقت تاریخی.

سیستان در پاره های ۱۳ و ۱۴ از نخستین فصل وبندیدات اوستا به عنوان یازدهمین سرزمین نیک که اهورامزدا آفرید، یاد شده است. در اوستا نام قدیم سیستان هتومنه آمده است که به معنی بند است. این معنی را در تاریخ سیستان نیز می یابیم که برای سیستان، بستن سه بند را لازم می داند: بستن بند ریگ، بستن بند آب و بستن بند مفسدان.

در مورد وجه تسمیهء سیستان در تاریخ سیستان آمده است:

اما سیستان از بهر آن گویند که ضحاک این جا مهمان بود به نزدیک گرشاسب و عادت او آن بود که به ایله نشستی و اکنون ایله را بیت المقدس گویند- و شراب با زنان خوردی و بدان روزگار سرای زنان را شبستان گفتندی، چون مست گشت او را یاد آمد عادت خویش و گفت: شبستان خواهم تا در آنجا خوشتر خورم. گرشاسب عادت او دانسته بود گفت اینجا سیوستانست نه شبستان و سیو مرد مرد را گفتندی بدان روزگار- و سیستان بدان گویند که همیشه آن جا مردان مرد باشند و مردی مرد باید تا آن جا بگذرد. چون این سخن گفته شد، ضحاک شرمناک شد و گفت: راست گفتی ای پهلوان. ما به سیوستانیم نه به شبستان. از آن پس این جا را سیستان گویند به یک حرف کمتر که واو است...(۳)

اما روایت پذیرفتنی این است که اصلاً وجه تسمیهء سیستان به خاطر قومی است که در آن زندگی می کنند و این قوم را ساک می نامیدند.

ساک ها یکی از اقوام آریایی بودند که ... داریوش در کتیبه های میخی خود چه در بهستان (بیستون) و چه در تخت جمشید (پرسپولیس) و نقش رستم از آنها یاد کرده است.

بسیاری از پژوهشگران به این باورند که سیستان اصلاً سگستان بوده و سجستان معرب آن است و سکنهء آن را سکزی یا سجزی خوانده اند و همین اکنون هم طایفه یی به نام ساکزی در سواحل رود هلمند ساکنند که به زبان پشتو سخن می گویند...

قبل از هجوم ساک ها این خطه به نام بومی خود (زرنگه) نامیده می شد اسمی که در کتب متاخرین نیز ثبت شده است. داریوش در کتیبهء بیستون و تخت جمشید در میان سه مملکت شرقی از پارتهوه (خراسان) زرنکه (سیستان) و هریوه (هرات) یکجا نام برده...(۴)

### هلمند یا هیرمند

تاریخ سیستان سرگذشت رودخانه و مردمی است که در طول تاریخ در کناره های آن زندگی کرده اند. همان گونه که مصر را زادهء نیل می دانند، سیستان نیز زادهء هلمند است. رودی که از قله های بلند هندوکش در مرکز افغانستان سرچشمه می گیرد و پس از پیمودن دره های متعدد در منطقه یی به نام دهراوت این شاخه ها با هم یکجا می شوند.

**تاریخ سیستان سرگذشت رودخانه و مردمی است که در طول تاریخ در کناره های آن زندگی کرده اند. همان گونه که مصر را زادهء نیل می دانند، سیستان نیز زادهء هلمند است. رودی که از قله های بلند هندوکش در مرکز افغانستان سرچشمه می گیرد و پس از پیمودن دره های متعدد در منطقه یی به نام دهراوت این شاخه ها با هم یکجا می شوند.**

در اوستا سرزمینی که به وسیلهء هلمند و ارغنداب آبیاری می شود هراویتی خوانده شده است. این نام باستانی اکنون در نام (دهراوت) هویداست. امروز دهراوت دهی است که برای رسیدن به آن باید راهی صعب العبور را پیمود که از گرشک آغاز می شود.

**دورهء پژوهش های رسمی که از سال ۱۹۲۲ میلادی شروع شد. در این سال دولت افغانستان امتیاز کاوش های باستان شناسی را برای مدت سی سال به فرانسوی ها داد. حاصل این تحقیقات، به دست آمدن آثار با ارزشی از نقاط مختلف افغانستان بود که قسمت زیاد آن به موزهء کابل و بخشی از آن به موزهء (گیمه) در پاریس سپرده شد**

تمدن هایی که در دو سوی هیرمند به میان آمده بسیار باستانی و قدیم است. به قدمت رود هلمند که در دل کویر ره به (هامون) و (گود زره) می برد تا در آن جا از خروش باز ایستد. نام های اطراف این رود نیز بسیار قدیمی است و با استوره ها و باور های دینی قدیم مردم این خطه رابطه دارد.

از هامون و رود هلمند که در آن می ریزد، مکرراً در کتاب اوستا یاد شده و نیز اهمیتی که این دریاچه در سنت مزدیسنان دارد از آن سبب است که در کنار آن محل ظهور موعود های زردشتی شمرده شده و به تصریح اوستا و کتب پهلوی، وطن پادشاهان کیانی بوده است. اهمیت هامون در این است که به موجب روایات زردشتی در آینده سه پسر از زردشت از کنار آن ظهور خواهد کرد که هریک به فاصلهء هزار سال از همدیگر پا به عرصهء وجود خواهند گذاشت...(۵)

### پژوهشهای باستان شناسی در افغانستان

سرزمینی با چنین سابقه در تاریخ نیازمند آن است تا مورد پژوهش دقیق باستان شناسی قرار گیرد. آنچه که مؤرخین در مورد سابقهء سیستان نوشته اند خبر از تمدنی باستانی وبزرگ در دو سوی رود هیرمند دارد. تمدنی که قبل از مهاجرت آریایی ها به این خطه به میان آمده بود.

پژوهش های باستان شناسی در سیستان افغانستان از سال ۱۸۲۳ میلادی آغاز شد که می توان آن را به دو دوره تقسیم کرد. دورهء اول که با هجوم نیروهای استعمارگر انگلیس به افغانستان آغاز گردید و یک قرن ادامه یافت. دراین دوره کاوش های باستان شناسی به صورت غیر رسمی و تحت کنترول انگلیس ها بود.

در این دوره که مصادف به جنگ های افغان ها با انگلیس هاست، دانشمندان انگلیسی در افغانستان از پژوهش و کاوش در بخش باستان شناسی غافل نبودند و آثار با ارزشی را شامل مجسمه ها، مسکوکات و سایر اشیای مهم و از نظر تاریخی با اهمیت را به کشورشان انتقال دادند. آنها در زمینهء آثار تاریخی افغانستان کتابهایی نیز نوشتند که مهمترین کتاب در آن زمان (آثار عتیقهء آریانا) تالیف (اچ- اچ- والسن) بود.

(رایل ایشیاتیک سوسایتی آف بنگال) که در سال ۱۷۸۴ میلادی از طرف ویلیام جونز در هند تاسیس شده بود حاصل پژوهش های باستان شناسان انگلیسی در افغانستان را در مجلهء خود به نشر می رسانید. یکی از این باستان شناسان بنام (مسن) درمورد سکه های به دست آمده از بگرام در شمال کابل تحقیقات مهمی داشت. کلکسیون سکه های این شخص شامل تقریبا دو هزار سکه بود سکه هایی از دوره های مختلف چون یونانو باختری، اشکانی ها، کوشانی، پهلوها، کوشانی های بزرگ وغیره بود.

### کاوش های رسمی

دورهء پژوهش های رسمی که از سال ۱۹۲۲ میلادی شروع شد. در این سال دولت افغانستان امتیاز کاوش های باستان شناسی را برای مدت سی سال به فرانسوی ها داد. حاصل این تحقیقات، به دست آمدن آثار با ارزشی از نقاط مختلف افغانستان بود که قسمت زیاد آن به موزهء کابل و بخشی از آن به موزهء (گیمه) در پاریس سپرده شد.(۶)

کاوش در مناطق باستانی سیستان افغانی از سال ۱۹۳۶ توسط دو فرانسوی به نام های (هاگن) و (کرشمن) آغاز شد. از تصریح خود آنان در گزارش بر می آید که آنان قبلا در ایران نیز به کاوش های مشابه پرداخته بودند. گزارش مقدماتی کریشمن در رابطه به کاوش های وی در نادعلی سیستان که در سال ۱۹۳۸میلادی در پاریس به نشر رسید، نشان داد که این منطقه از نظر آثار تاریخی بسیار غنی بوده و تحقیق در این زمینه برای روشن شدن زوایای تاریک تاریخ این خطه بسیار مهم است.

باستان شناسان مذکور در اطراف قلعهء کنگ مرکز سیستان افغانی به بررسی آغاز نموده وسپس منطقهء نادعلی در دوازده کیلومتری قلعهء کنگ را برای کاوش برگزیدند. در گزارش آنان آمده بود:

نادعلی منطقهء وسیعی است که خرابه های عمارات کهن در آن هویداست. تقریبا در وسط این منطقه تپهء بزرگی است که به واسطهء خشت های آبادی های قدیمی که هنوز بقایای تهداب دیوار های آن بر فراز تپهء مذکور موجود است که به نام سرخ داغ یاد می شود. تقریبا به فاصله ۴۰۰ متر جنوب سرخ داغ تپهء دیگری است موسوم به سفید داغ. ارتفاع این تپه مانند تپهء اول ۳۰ متر است... این دو تپه دو نقطهء مهمی است که از وجود شهر مهم قدیمی در این جا حکایت دارد. سفید داغ در اصل مقبره و سرخ داغ قلعهء نظامی بوده است.

به فاصلهء ۱۵۰۰ متری جنوب تپهء سرخ داغ تپهء سومی وجود دارد که ارتفاع آن از دو تپهء دیگر کمتر و سطح آن هموار تر است. برفراز آن عمارت جدیدی دیده می شود که بالا حصار جدید نادعلی بوده و نیروهای نظامی در آنجا مستقر است. در پایین این بالاحصار خرابه های شهر بزرگ عصر اسلامی به شکل مستطیل وسیعی به چشم می خورد.

راهی که از قلعهء کنگ به قلعهء فتح می رود از این شهر ویرانه می گذرد. این جا را مردم بومی (دشت مرتضی علی) می نامند. پارچه های سفال های براق روی زمین را پوشانیده نمایانگر آن است که این شهر اسلامی مانند بسیاری از شهر دیگر سیستان در سال ۱۳۸۴ میلادی به دست تیمور لنگ ویران شده است.

کاوش از تپهء سرخ داغ شروع شد و با همان اصولی که این گروه در ایران انجام داده بود به شکل ساده شروع به خاک برداری کردند. این خاک برداری تا عمق ۱۲،۵ متر ادامه یافت و در آن دو طبقه ساختمان روی هم که مربوط به دو دورهء مختلف بود کشف شد.

### در طبقهء اول

این طبقه که در اولین مرحلهء کاوش هویدا شد در حقیقت نمایانگر آخرین دورهء زندگی در این نقطه است. خاک برداری مرحلهء اول نشان داد که مردم دراین مرحله با مشکلات زیاد دست به گریبان بوده اند. در گزارش فقط اشارهء کوتاهی به این مساله شده که برداشت کاوشگران از شکل ساختمان خانه هاست اما مسألهء مهمی در این گزارش وجود دارد که در آن زمان به آن پرداخته نشد اما با گذشت بیش از شصت و پنج سال هنوز جای تأمل دارد.

سفال های به دست آمده از مرحلهء اول خاک برداری که نشان از دورهء جدید تر دارد به کلی بدون تزئینات رنگی است. رنگ گل این ظروف قهوه یی، سرخ یا خاکی رنگ است. گل آن زیاد صاف نیست و لبه های آن کلفت است. کار ساختمان هرچند با چرخ عملی شده اما فاقد ظرافت است.

اشیای فلزی به دست آمده در این طبقه شامل سرهای پیکان سه گوشه مفرغی است که دارای اهمیت می باشد. زیرا دندانه هم دارد ویاد آور تیرهای عصر سیتی است. تیغهء یک خنجر مفرغی و نیز یک سوزن تیز به دست آمد.

در این طبقه پارچه های ظروف سنگی هم به دست آمد که بقایای بشقاب و کاسه و هاون است. این وسایل از سنگ سیاه سخت یا گل سیاه ساخته شده اند. این ظروف خیلی قشنگ و با ظرافت ساخته شده اند و با بهترین نمونه های وسایل سنگی که از ایران به دست آمده مقایسه شده می تواند اما شاید ساختهء دست هنرمندان جاهای دیگر است.

اشیای استخوانی در این جا کمیاب بوده و فقط یک گیره ویک دکمه به دست آمد.

### طبقهء دوم

ظروف سفالین این طبقه نسبت به طبقهء اول ظرافت و تنوع بیشتر دارد. سفال های عادی به دست آمده از این طبقه با سفال های طبقهء اول شباهت دارد. دراینجا کوزه های ساخته شده از گل زرد و سرخ و جام ها و سایر ظروف با که با خطوط عادی تزئین شده است به دست آمد.

سفال های سرخ رنگ کمیاب تر است اما آثار به دست آمده شامل کاسه هایی است که از خاک خوب و گل صاف و پخته ساخته شده و رنگ آن بین سرخ و قهوه یی و یا صورتی می باشد.

ازاین طبقه مقداری سفال های رنگارنگ نیز به دست آمده که صنعت کار رنگ های روشن را در برابر رنگ های تیره به کار گرفته است.

از اشیای فلزی به دست آمده در این طبقه می توان از پیکان های شبیه به برگ های کوچک و پیکان های سه پر ساخته شده از مفرغ نام برد. تکمه یی با چهار سوراخ، قلاب کمر بند، گیره و تکمه های نیمه کروی و بازوبند به دست آمد.

از این طبقه سه قطعه وسایلی که در آن طلا به کار رفته بود نیز بدست آمد. اما فقط یک وسیلهء سنگی یعنی یک هاون با دو دستهء آن کشف شد.(۷)

### مقایسه بین دو دوره

گریشمن دوران زندگی در این دو دوره را هزارهء اول قبل از میلاد می داند اما فاصلهء زمانی میان این دو طبقه را به صورت دقیق مشخص نمی سازد. اصولاً حرکت انسان به سوی تعالی و ترقی است و هردوره در مقایسه با **ادامه در ص۷**

نیویورک تایمز:

# جنگ لبنان و پیامدهای خطرناک آن برای منافع آمریکا



موضع گیری ایالات متحده، آمریکا درباره، جنگ اسرائیل در لبنان موضوع بحث در داخل و خارج این کشور بوده است.

موضع گیری دولت آمریکا در قبال درگیری‌های جاری در خاورمیانه در یک شعار خلاصه می‌شود و آن این که "جنگ را متوقف کنید اما نه به گونه، فوری". این کشور تمام خواسته‌ها و فشارهای جهانی برای متوقف کردن حملات نظامی به لبنان و برقراری آتش بس فوری در این کشور را نادیده گرفته است و درصدد زمینه سازی آن است تا اسرائیل بتواند پیروزی قاطع و نهایی را در رویارویی با حزب‌الله از آن خود کند. در این زمینه ما توجه خوانندگان را به یک مقاله یی جلب می کنیم که اخیراً در نیویورک تایمز به نشر رسیده است.

نیکلاس دی. کریستوف، تحلیلگر و گزارشگر روزنامه، نیویورک تایمز با ارایه، تحلیلی تحت عنوان "جنگ لبنان و پیامدهای خطرناک آن برای منافع آمریکا" می‌نویسد: "تصاویر وحشتناک و تکان دهنده، قربانیان حملات موشکی جنگنده‌های اسرائیلی به مناطق جنوبی لبنان که لحظه به لحظه در رسانه‌های خبری جهان به تصویر کشیده می‌شود، موجی از خشم و نفرت جهانی را نسبت به موضع گیری‌های جانبدارانه، آمریکا از اسرائیل ایجاد کرده است و تنها منجر به گسترش دایره، فعالیت گروه‌های تندرو در منطقه و رویارویی این گروها با منافع آمریکایی در جهان شده است. متأسفانه حمله، نظامی اسراییل بر لبنان و حمایت آمریکا از این جنگ و بعضاً مشارکت در آن بواسطه، ارسال سلاح‌های خطرناک به دولت اسرائیل منجر به آن شده است که تئوری موجود نسبت به امپریالیستی بودن سیاست‌های آمریکا در منطقه قوت بگیرد و حتی دیدگاه‌های مثبت برخی از طرفداران آمریکا نسبت به این کشور نیز تغییر کند و به مخالفان سیاست‌های خارجی آمریکا تبدیل شوند".

این تحلیلگر روزنامه، نیویورک تایمز می‌افزاید: "اسرائیل می گوید که این جنگ به دنبال تجاوز حزب‌الله لبنان به اسرائیل انجام گرفته است و تل ابیب می‌خواهد به این تجاوزات برای همیشه پایان دهد، سؤال این است آیا دولت یهودی اسرائیل هنوز هم نسبت به بسیاری از قواعد سیاست‌های بین‌المللی بی‌اطلاع است و آیا این دولت نمی‌داند که هر بحرانی را نمی‌توان با یک راه حل قاطع، نهایی حل کرد و پیش از انتخاب این راه نهایی باید تمام راه‌حل‌های موجود برای حل این بحران را به کار برد؟ قاعده، اول در سیاست‌های خارجی برای حل یک بحران "ضرر نرساندن به هیچ کس است" و این قاعده بی‌شباهت به قاعده، اول در درس پزشکی نیست که بر مبنی "ضرر نرساندن به جان افراد" بنا شده است. متأسفانه آنچه که ما درلبنان نظاره‌گر آن هستیم چیزی جز خشونت و عدم توجه به تمام اصول و قواعد حقوق بشر به خصوص رعایت حقوق غیر نظامیان در جنگ نیست. آنچه که امروز در لبنان جاری است بی‌شباهت به حملات نظامی سال ۱۹۸۲ نیست به طوری که پیامدهای بد این جنگ بیشتر شامل منافع آمریکا در منطقه شد. تئوریسین‌های اسرائیلی و آمریکایی جنگ با حزب‌الله و حملات گسترده، ارتش اسراییل به لبنان و نیز گسترش دامنه، تلفات جانی غیر نظامیان در این جنگ را این چنین توجیه می‌کنند "با توجه به حملات موشکی حزب‌الله به داخل اراضی اسرائیلی و به دنبال هدف این حزب برای نابود ساختن دولت اسرائیل، تل ابیب راهی جز جنگ نداشت. دولت لبنان قادر به کنترل و خلع سلاح حزب الله نیست و نمی‌تواند قدرتش را در مناطق جنوبی لبنان بگستراند و این منطقه را اداره کند، بنابراین جنگ برای ریشه‌کنی حزب‌الله لبنان در صورتی که منجر به تلفات جانی در صفوف غیر نظامیان شود ایرادی ندارد زیرا ریشه‌کنی این حزب در این حملات در مرتبه، اول قرار دارد و هدف اسرائیل برای محدود کردن قدرت نظامی حزب‌الله و کاهش خطر این حزب در مرزهای اسرائیل بر هر هدفی دیگر برتری دارد".

تحلیلگر نیویورک تایمز در ادامه می‌نویسد: "مشکل این نظریه دور از هر گونه منطق است و تنها منجر به افزایش تنش و درگیری می‌شود. یک روز پیش از آغاز عملیات حزب‌الله لبنان برای به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی، یک گروه تروریستی که دایره، فعالیت آن در مناطق مرزی پاکستان است با منفجر کردن چند قطار در بمبئی که منجر به کشته شدن بیش از ۲۰۰ تن از مردم غیر نظامی شد و این رقم ده ها بار از آمار کشته شده‌های اسرائیلی پس از عقب نشینی از جنوب لبنان بیشتر است به طوری که پس از عقب نشینی اسرائیل در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان تاکنون آمار تلفات جانی سربازان اسرائیلی که از سوی حزب‌الله لبنان هدف قرار گرفته اند هنوز به آمار این حمله، تروریستی در هندوستان نرسیده است. ولی موضع گیری دولت هندوستان نسبت به موضع گیری اسرائیل چگونه بوده است؟ اسرائیل با مساله، به اسارت گرفته شدن دو سرباز اسرائیلی خود از سوی حزب‌الله مواجه است و هندوستان با عملکرد یک گروه تروریستی مستقر در پاکستان که منجر به کشته شدن ۲۰۰ تن از شهروندان هندی شد. به رغم آنکه بسیاری از احزاب هندی و گروه‌ها و انجمن‌های مردمی خواستار برخورد تند دولت هند با این مسأله شدند اما منموهن سینگ، نخست وزیر هندوستان اعلام کرد سیاست استفاده از گلوله در پاسخ به گلوله تنها منجر به افزایش بحران می‌شود و نتیجه، ملموسی برای حل این بحران ندارد. بی‌شک سخن منموهن سینگ بسیار به جا و منطقی بوده است به گونه یی که او تأکید داشت استفاده از قدرت نظامی جهت برخورد با این شبکه‌های تروریستی تنها منجر به ورود دو قدرت هسته‌یی هندوستان و پاکستان در یک جنگ ناتمام می‌شود. اما در مقابل اسرائیل تنها برای آزادسازی دو سرباز اسرائیلی کل منطقه و جهان را وارد یک بحران می کند، جان صدها غیر نظامی را می‌گیرد و می‌گوید این سیاست برای رفع خطر حزب‌الله لبنان از مرزهای شمالی لازم و ضروری است. آیا این منطق صحیح است؟"

> **متأسفانه حمایت‌های کاملاً روشن آمریکا از سیاست‌های اسرائیل در منطقه به جایی پیمانان این رسیده است که امیدهای هم کشور در منطقه و نیز دیدگاه‌های مثبت دموکراسی موجود در منطقه برای برقراری و آزادی از سوی واشنگتن تبدیل به یأس و از ناامیدی شده است و بعضاً حتی بسیاری این طرفداران به صفوف منتقدان سیاست‌های آمریکا پیوسته‌اند**

این تحلیلگر در ادامه می‌نویسد: "سیاست‌های دولت اسرائیل منجر به تحریک حزب‌الله لبنان و عکس‌العمل‌های بعدی این حزب شده است و همین سیاست‌ها منجر به ایجاد تغییرات ریشه‌یی در منطقه شده است به طوری که بحران‌های ناشی از این سیاست‌های حساب نشده منجر به تقویت گروه‌های تندرو در منطقه و افزایش فعالیت‌های تروریستی در آن شده است. متأسفانه حمایت‌های کاملاً روشن آمریکا از سیاست‌های اسرائیل در منطقه به جایی رسیده است که امیدهای هم پیمانان این کشور در منطقه و نیز دیدگاه‌های مثبت موجود در منطقه برای برقراری دموکراسی و آزادی از سوی واشنگتن تبدیل به یأس و ناامیدی شده است و بعضاً حتی بسیاری از این طرفداران به صفوف منتقدان سیاست‌های آمریکا پیوسته‌اند. روزنامه، دیلی استار لبنان روز گذشته در سر مقاله، خود خطاب به طرفداران تئوری‌های جورج بوش برای برقراری دموکراسی در خاورمیانه نوشت: "هنوز هم به تحقق وعده‌های آمریکا در عراق و لبنان امید بسته اید، هنوز هم به دنبال برقراری آزادی در عراق و لبنان هستید، اما باید برای دود شدن تمام این خواب های طلایی تأسف بخوریم. زیرا دیدگاه بوش با سیاست‌های ناشیانه و غیر منطقی جهت گسترش جنگ‌های داخلی در لبنان و بحران در منطقه همراه شده است و خواب برقراری دموکراسی دیگر به کابوسی از رعب و وحشت تبدیل شده است. متأسفانه بوش بر خلاف بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق آمریکا تنها از بحران منطقه سخن می گوید اما تاکنون به بسیاری مناطق خاورمیانه از جمله دمشق سفر نکرده است و درصدد حل بحران‌های موجود به شیوه‌های کاملاً مسالمت آمیز نیست، سیاست‌های بوش متأسفانه تنها بر تهدید این کشورها و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی به آنها متمرکز شده است. در حالی که اگر بوش تنها سفری به این مناطق می داشت و از دیدگاه مسالمت آمیزتر برای حل بحران آنها وارد عمل می‌شد شاید امروز شاهد پیچیدگی امور و گسترش بحران‌ها نمی بودیم. چاره‌یی جز آن نیست که ما به بازگشت مجدد سیاست‌های دولت سابق آمریکا برای حل بحران‌ها امید داشته باشیم زیرا آن دولت به رغم موفقیت‌های سیاسی ناچیز خود، حداقل توانست میزان تلفات کمتری به لحاظ اعمال سیاست‌های جنگی و تنش و درگیری به منطقه وارد سازد و میزان خسارت‌های اقتصادی، نظامی و جانی کشورهای منطقه در دولت پیشین از بوش کمتر بود".

در پایان این تحلیل آمده است: "این تنها گوشه یی از موضع‌گیری رسانه‌های تقریباً متمایل و نزدیک به سیاست‌های خارجی آمریکاست و بدیهی است رسانه‌های خبری حامل افکار عمومی مردم و طرفداران خود هستند بنابراین می بینیم که جنگ اسرائیل با لبنان با توجه به حمایت آمریکا تنها به منافع آمریکایی و جایگاه این کشور در منطقه ضربه وارد ساخته است و دیگر اعتمادها از کاخ سفید برای حل بحران‌ها سلب شده است زیرا این کشور در حل بحران لبنان بی‌طرفانه وارد نشد و عملکرد نادرست مسؤولان دولت آمریکا تنها منجر به افزایش بحران‌های سیاسی واشنگتن در جهان و متزلزل شدن جایگاه این کشور در جهان شده است".

# ناټو او د سولې سيمې امنيت

راوی

د اسد په نهمه د ناټو د ترون پوځونو په نا آرامه سويلی سيمه کی رسماً د سولی او امنيت د ټينګولو دنده په غاړه واخيسته. دوی په رسمی توګه د هغو امريکائی پوځيانو ځای نيسی چې پخوا له دی سيمی څخه وتلي دي.

د افغانستان سهيل او سهيلی لويديزو سيمو له کنر څخه نيولی بيا تر فراه پوری په څو ولايتونو مشتمل پراخه سيمه ده، چې د امنيت له پلوه له خطر څخه ډکه سيمه ده. دا سيمی د څو کلونو راپدی خوا د يو لړ ناکراريو شاهد دی چی افغان دولت تل د هغه لامل له پوری نه هخوا د ګاونډی هېواد پاکستان بولی خو د سږ کال له پيله څخه د طالبانو په بريدونو کی ډير زياتوالی راغلی دی. دوی اوس په ګڼ شمير کې وسلوال د دولت پر مراکزو حملی کوی او د دی ترڅنګ د هغوی د سړك په غاړه ريموټ کنټرول بمی چاودنی او ځان مرګی بريدونوکی کوم کموالی نه په سترګو کيږی.

د رسمی شمير مطابق همدا اوس په سويلی سيمو کی لږ تر لږه نهه زره بهرنی ځواکونه پراته دی او له څه د پاڅه دوه مياشتی راپدی خوا د طالبانو پر ضد د فشار کوهستان تر نامه لاندی پوځی عمليات ادامه لری. په دی عملياتو کی بهرنی او د ملی اردو ځواکونه په ګډه برخه لری خو بيا هم په تاو تريخوالی کی د کمښت ځرك نه په سترګو کيږی.

په افغانستان کی د ناټو د پوځونو عمومی قوماندان جنرال ډيويډ ريچاروز په دی مراسمو کی په ډيرو تهديد آميز ټکو کی طالبان او په تيره بيا د هغو مشرتابه ته ګوابن وکړ چی بايد پوه شی چی خطر اوس له هر وخت څخه زيات دوی ته جدي دی. سيمی ته نوی سرتيری او جنګی ساز و سامان په رسيدو دی. دی زياته کړه چی که د طالبانو مشر عقلمن وی بايد پوه شی چی دوی نور د بقا چانس نلری نو دوی ته بهتره ده چی له جګړی څخه لاس واخلی.

له بلی خوا د فرانسی د دفاع وزيره ويلی چی د افغانستان په سهيل کی د ناټو دا ماموريت له چلنجونو څخه ډك يو ماموريت دی. لاتر اوسه جنګيالی له پولی څخه له هخوا افغانستان ته راځی او پر سرتيرو حملی کوی. دی زياته کړه چی فرانسه په راتلونکی د ناټو قواوو قومانده تر لاسه کوی او نوری سرتيری هم سيمی ته ليږی.

له بلی خوا د دفاع د وزارت ويانډ جنرال عظيمی ادعا لری چی د فشار کوهستان د عملياتو په ترڅ کی چی له څه د پاڅه دوو مياشتو راپدی خوا ادامه لری په سل ګونو طالب جنګيالی وژل شوی او د هغوی د قوماندی مرکز هم له منځه وړل شوی دی.

که څه هم د ناټو د ځواکونو قوماندان او هم افغان چارواکی د امنيت په راوستو کی ډير هيله من ښکاری خو دا له وخت نه دمخه خبره ده که ووايو چې يواځی د پوځی عملياتو په خپلولو سره کولای شو د جنګيالی طالبانو جرړی له سهيلی سيمو څخه وباسو. د امنيت ټينګيدل په دولت کی د پراخ بدلونونو او له فساد سره په پريکنده مبارزه کی هم نغښتی دی او دا د تل پاتی سولی او امنيت تضمين دی.

## مجلس نمایندگان عبدالسلام ...

گفتنی است که مسأله، سلب تابعیت دوگانه، تعدادی از اعضای کابینه نیز تا هنوز روشن نگردیده است چون تا اکنون کشورهای متبوع وزرای دارای تابعیت دوگانه، موضوع سلب تابعیت دوم آنان را به آگاهی مجلس نمایندگان نرسانده است.

موضوع تابعیت دوم و مسأله، تحصیلات عالی برخی از وزیران که رأی اعتماد مشروط گرفته اند تا هنوز قابل بحث است گمان می رود که باز در مجلس نمایندگان مجدداً مورد بحث قرار گیرد. کما این که درباره، تحصیلات عالی برخی از وزیران تا کنون کمیسیون ارزیابی اسناد تحصیلی نظر تأیید نداده است و کسانی غیر مسؤول آنها را امضا کرده اند.

# پژوهشی بر عقل گرایی و اندیشه محوری در قرآن کریم

بخش چهارم و پایانی

عبدالرؤف مخلص

### وجه پنجم:

نوع دیگر از آیاتی که به اعمال عقل و اندیشه فرا می خوانند، آیاتی اند که به مرادفات عقل در قرآن اشاره می کنند. از واژه های به کار گرفته شده در معانی عقل در قرآن کریم، "لب"، "نهی"، "حلم" و "حجر" است، هم چنین "قلب" نیز به همین معنی به کار رفته و گاهی عقل و قلب در قرآن کریم به یک معنی به کار رفته اند، گاهی "قلب" مخصوصاً در تعبیر از عواطف به کار رفته. گاهی قلب نیز "فؤاد" نامیده می شود. نکته یی که قابل ملاحظه می باشد این است که این مرادفات در قرآن کریم به صیغهٔ "اسمیه" آمده اند. توجه کنید:

لب: لب در شانزده آیه از قرآن کریم به صیغهء جمع آن که "الباب" است، به معنای عقل به کار رفته (۱). مثلاً خدای متعال می فرماید: "و برای شما در قصاص زندگانی یی است ای اولی الالباب، شاید شما تعقل کنید". (۲)

حلم: "حلم" در یک آیه از قرآن کریم به معنای عقل به کار رفته– به صیغهٔ جمع آن که "احلام" است، و آن در این فرمودهٔ حق تعالی است: "آیا آنان را احلامشان به این امر می کند، یا این که آنان قومی سرکشند؟".(۳)

آمدن لفظ "احلام" در برابر قرم "طاغی" دلالت می کند بر این که "حلم" در این آیه به معنای فهم و درنگ بخردانه و علم مبتنی بر منطق و تعقل است که طغیان درست در نقطهٔ مقابل و متناقض با این مفاهیم قرار دارد، و این خود نشان می دهد که کفار عقلهایشان را داور قرار نداده بلکه عواطف و خواهش های نفسی خویش را داور قرار داده اند. (۴)

### نهی

کلمهٔ "نهی" به معنای مرادف عقل دوبار در سورهٔ "طه" آمده است، یکی در این فرمودهء باری تعالی: "بخورید و چهارپایان خود را بچرانید، بی گمان در این امر آیاتی است برای صاحبان نهی".(۵)

و در این فرموهء وی: "آیا برای آنان روشن نشده است که چه بسیار هلاک کردیم پیش از آنان از قرن ها را که آنان در مساکنشان راه می روند، بی گمان در این امر آیاتی است برای صاحبان نهی".(۶)

اولی النهی: یعنی صاحبان عقل های صحیح و استوار. (۷)

### حجر

حجر در این فرمودهء حق تعالی به معنای عقل امده است: "سوگند به صبح و شب های ده گانه... آیا در این ها برای کسی که صاحب حجر است قسمی است؟". (۸)

از ابن عباس سؤال کردند که "قسم لذی حجر" در این فرموده، حق تعالی به چه معنی است؟ او گفت: "یعنی مرد صاحب عقل و خرد". (۹)

### قلب

کلمهٔ "قلب" (۱۳۲) بار در قرآن کریم به کار رفته است، و این کلمه، از ابعاد بسیاری در حوزهٔ روان و نهاد بشری سخن می گوید، به گونه یی که احیانا ما را در برابر تصویری از تصاویر عقل یا در برابر مقولات دیگری نیز قرار مان می دهد، به گونه یی که احساس می کنیم، در برابر عاطفه، احساس ها، و مشاعر وجدانی قرار گرفته ایم، احیانا هم خود را در وضعی می بینیم که احساس می کنیم هر دو بعد عاطفی و عقلی باهم فعالند. (۱۰)

چنان که در این فرموده، حق تعالی می یابیم: "آیا در زمین سیر نکرده اند تا برای آنان قلب هایی باشد که با آن تعقل می کنند". (۱۱)

و آیات بسیار دیگری که در حلقهء آینده، این مبحث إنشاء الله– به آن ها اشاره خواهیم کرد.

### نتیجه گیری

از آن چه در این مقال گفته آمد، چنین نتیجه می گیریم که: هیچ دعوتی در هیچ کتابی دیگری با دعوت صریح قرآن کریم به نگرش عقلی برابری کرده نمی تواند، زیرا قرآن کریم از عقل به عنوان قضیهء حاشیه یی یاد نمی کند، بلکه آن را به صورت مقصود بالذات و مفصل مورد عنایت قرار می دهد، به نحوی که در هیچ کتابی از کتب ادیان نظیر آن را سراغ کرده نمی توانیم". (۱۲)

**هیچ دعوتی در هیچ کتابی دیگری با دعوت صریح قرآن کریم به نگرش عقلی برابری کرده نمی تواند، زیرا قرآن کریم از عقل به عنوان قضیهء حاشیه یی یاد نمی کند، بلکه آن را به صورت مقصود بالذات و مفصل مورد عنایت قرار می دهد، به نحوی که در هیچ کتابی از کتب ادیان نظیر آن را سراغ کرده نمی توانیم.**

هم چنین هیچ فلسفه و هیچ مکتبی از مکاتب به اندازهٔ قرآن کریم به قضیهٔ عقل و خرد نپرداخته است، چرا که قرآن کریم کتابی است که از مخاطب ساختن عقل با تمام ملکات آن و هر کاربردی که عاقلان و متعقلان برای آن شناخته اند، پر می باشد، از این جاست که ما به راز این امر که چرا مشتقات "عقل" در قرآن کریم به صیغهء فعلیه به کار رفته است نه به صیغهء اسمیه، پی می بریم زیرا این امر پیام روشنی دارد و آن این است که صیغهء فعلیه ناگزیر باید به رخداد، زمان و متن ارتباط داشته باشد، و این می رساند که نگرش عقلی، عملیهء جدی، حقیقی و دارای ابعاد و مدلولاتی است که لابد باید با واقعیت ها، اشخاص و زمان مرتبط باشد، و این خود از ناحیهٔ عملی و درمیدان فعلیت بر انسان در ساختن حرکت زندگی تأثیر می گذارد.

**هیچ فلسفه و هیچ مکتبی از مکاتب به اندازهٔ قرآن کریم به قضیهٔ عقل و خرد نپرداخته است، چرا که قرآن کریم کتابی است که از مخاطب ساختن عقل با تمام ملکات آن و هر کاربردی که عاقلان و متعقلان برای آن شناخته اند، پر می باشد.**

بنابر این، عقل قرآنی، عقل یونانی مجرد یا جوهر قائم بالذاتی نیست، لذا قرآن کریم به ماهیت– به معنای مورد نظر در فلسفهء یونان– اهتمام نورزیده بلکه اهتمام آن به کار برد وظیفهء عقلی می باشد که آنچه را مربوط به گسترهء عقل است، وصف می کند، به همین جهت در قرآن کریم، عقل در حد ذات خود موضوعی برای معرفت نیست، بلکه برآیندها وظواهر عقلی است که ممکن است موضوعی برای پژوهش عقلی شناخته شود، از این جهت، ما نمی توانیم بپرسیم که عقل از نظر قرآن چیست؟ زیرا این رازی است که عاقلان در برابر آن متحیر مانده اند، چنان که در برابر روح نیز به تحیر ایستاده اند، و این است همان توجیه کلام پروردگار متعال که می فرماید: "و از تو در بارهء روح می پرسند، بگو: روح از امر پروردگار من است و شما از علم جز اندکی داده نشده اید".(۱۳)

عقل در قرآن کریم مناط تکلیف است، و سه کسی که خداوند آنان را در برابر اعمالشان مجازات نمی کند: ۱– دیوانه است تا به هوش اید، ۲– خوابیده است تا بیدار شود، ۳– و صغیر است تا کبیر شود".(۱۴)

این بدان جهت است که خطاب قرآن اولاً و قبل از هر چیز متوجه عقل است.

بعد دیگر که قرآن کریم آن را به معانی عقل افزوده است، همانا ارتباط عقل به عمل می باشد، زیرا قرآن کریم از عقل یاد نمی کند مگر در مقام تنبیه و توجه دادن به وجوب عمل به آن، و ارتباط علم به عمل در برنامهء اسلام، در مقام ارتباط وسیله به غایه و ارتباط مقدمه به نتیجه است، زیرا علم مقدمه و وسیله است و عمل نتیجه و غایه. (۱۵)

اهمیت عمل عقل در اثنای عذاب کفار در آخرت نمایان می شود: "اگر ما تعقل می کردیم یا می شنیدیم از اصحاب آتش سوزان نبودیم". (۱۶)

علاوه باید گرد که ورود مرادفات عقل در قرآن کریم، بر گسترایی و فراگیری دعوت به نگرش عقلی دلالت می کند، و ابعاد جدید دیگری را به آن می افزاید– که مثلا وجدان، عاطفه و حدس از محورهای متصل و در پیوند با آن است، چنان که کاربرد قلب به معنای عقل نیز همین معنی را می رساند.

### پی نوشت ها

1. –نگاه، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی، باب اللام.
2. بقره/۱۷۹.
3. طور/۳۲.
4. محمد علی الجورو، مفهوم العقل و القلب فی القرآن و السنه، دارالعلم للملایین، بیروت، ط۲، ۱۹۸۳م، ۱۲۷.
5. طه/۵۴.
6. طه/۱۲۸.
7. مختصر ابن کثیر، اختصار و تحقیق د. محمد علی صابونی، دارالقرآن الکریم– بیروت، ط۷، ۱۹۸۱م، ج۲، ص ۴۸۴،۴۹۸.
8. فرهنگ و مفاهیم قرآن کریم.
9. فجر/۱–۵.
10. حارث محاسبی، العقل و فهم القرآن، ص ۱۳۱.
11. حج/۴۶.
12. عباس محمود عقاد، التفکیر فریضه اسلامیه، ص۸.
13. اسراء/۸۵.
14. صحیح البخاری/ کتاب الطلاق باب ۱۱/ج۶/ ص ۱۶۹ کتاب الحدود باب ۲۲/ج۸/ ص ۲۱، طبع استانبول، سنن ابو داوود/۱۷، ترمذی درکتاب حدود و نسائی در کتاب طلاق/۲۱، ابن ماجه در کتاب طلاق/۱۵و دارمی در کتاب حدود، و احمد بن حنبل ج/۱/ص ۱۱۶،۱۱۸.
15. د. سهیر فضل الله ابو وافیه، فلسفه العمل فی الاسلام، دارالکتاب، القاهره، ص ۱۴.
16. ملک/۱۰.

## سیستان، سرگذشت پر اسرار ...

دورهء قبل باید نمایانگر پیشرفت در طرز زندگی و تفکر باشد اما در مقایسه میان این دو دوره، ما شاهد رفتن به قهقرا هستیم. اگر فرض کنیم که فاصله میان این دو دوره دو قرن باشد، دورهء بعد نه تنها هیچ حرکتی به جلو را نمایان نمی سازد بلکه نشان می دهد که مردم وضع زندگی بدتری داشته اند و این مساله در آثار به جا مانده از آن دوره مشخص است. اما در این دوره بر سیستان چه گذشته است؟ رمز زوال این تمدن در پی میل شدن مردم به زندگی بهتر است اما هنوز رمز این بی میلی در پردهء ابهام پنهان است.

گریشمن به این باور بود که اگر خاک برداری تا عمق ۳۲ متر که ارتفاع این تپهء مصنوعی است ادامه یابد، احتمالا آثاری از ظروف سفالین سه تا چهار هزار سال قبل به دست آید.

شهر سوخته در سیستان ایران

این کار در شهر سوخته به شکل بهتری صورت گرفته است. گفته می شود که شهر سوخته بین سال های ۳۲۰۰ تا ۲۲۰۰ قبل از میلاد پایتخت سیستان بوده است. به قول پرفسور توزی این شهر با ۱۵۰ هکتار مساحت در ۲۵۰۰ قبل از میلاد بزرگترین شهر و مرکز تمدن در دنیای شرق فارس آن روز بوده است.

در نتیجهء پژوهش های ابتدایی که در بقایای این شهر صورت گرفت و لایه های مختلفی که کنار زده شد، شکل قدیمی شهر و ساختمان های شهری پدیدار شد. در آنجا مسالهء اعجاز انگیزی پدیدار شد و آن اینکه این شهر در سال ۳۲۰۰ ق م ساخته شده و در حدود سال ۲۳۰۰ ق م این شهر ناگهان از بین رفت و عمر این تمدن نهصد سال بوده است.

همین مرگ ناگهانی شهر موجب گردید تا آثار ارزشمندی از آن در زیر خاک باقی بماند از استخوان های حیوانات گرفته تا انسان ها و فوسیل های خزندگان و نباتات و حتی موجودات مایکرسکوپی.

این مساله توجه دانشمندان را به خود معطوف داشت که چگونه همزمان با تمدن فارس که در منطقهء خوش آب وهوا و حاصلخیز وجود داشت، در یک منطقهء کویری چون سیستان با آب وهوای خشن، چنین تمدنی به وجود آمده بود.

در این منطقه به علت تغییر مجرای رود هلمند و بلند رفتن قشر نمک به روی سطح زمین، آثار به جا مانده از آن دوران به صورت بسیار خوب و خالی حفظ شده است. در قبرستان شهر سوخته بین ۲۵ تا ۳۵ هزار قبر وجود داشته است که در بعضی از این قبر ها ظروف و وسایلی نیز کشف شد این گونه وسایل در قبر های تپهء سفید داغ در نادعلی نیز به دست امده است.

سنگ لاجورد در حقیقت قیمتی ترین سنگ ماقبل التاریخ محسوب می شده و از بدخشان به شهر سوخته حمل می شده است تا دست های هنرمندان این شهر آن را شکل بدهد.

طبق تحقیقات دانشمندان، شهر سوخته دو بار به آتش کشیده شده است. بار اول که شهر در آغاز توسعهء سریع خویش وبار دیگر در پایان عمر خویش که با این آتش سوزی نابود شد.

چرا چنین شد؟ اسکلت هایی به دست امده که گردن شان قطع شده است واین خود نشان می دهد که شهر مورد هجوم قرار گرفته است و آتش سوزی در قسمت اصلی شهر حاکی از همین امر است. اما از طرف کدام قوم؟(۸)

این سوالی است که هیج اثر تاریخی به جا مانده از آن دوران در زیر خاک به آن جواب نمی دهد. جواب این سوال را باید در تاریخ جست اما تاریخ هم در این مورد جز سکوت جوابی ندارد.

چرا تاریخ سیستان چنین با مرگ های ناگهانی توأم است و چرا تمدن این خطه فاقد استمرار بود؟ در زیر ماسه های کویر سیستان چه اسرار ناگفته یی نهفته است؟

این سوال های بی جواب شاید در یک کار مشترک میان دانشمندان دو کشور همسایه بتواند جوابی بیابد. تحقیق روی این مسالهء مهم که هلمند در طول تاریخ کدام مسیر ها را پیموده است می تواند تا حدی روشنگر بسیاری نقاط ابهام باشد.

اما بدبختانه سیستان هنوز برای این پژوهش مشترک آماده نیست. امروز امنیت در سیستان همان قدر دور از دسترس است که در افسانهء آخرین سوختن شهر سوخته بود.

### پی نوشت ها

(۱) سامه به معنی خانه باشد و جای امن و امان و پناه را نیز گفته اند به معنی عهد و پیمان و قرض هم است. (برهان)
(۲) تاریخ سیستان ص ۳ و ۴
(۳) تاریخ سیستان ص ۲۱و ۲۳
(۴) جغرافیای تاریخی افغانستان تالیف عبدالحی حبیبی ص (۲۹۵)
(۵) همان ص ۲۹۴.
(۶) سالنمای سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸افغانستان
(۷) سالنمای ۱۳۱۷ افغانستان
(۸) شهر سوخته – گزارشی از پروفسور توزی – کیهان فرهنگی اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ چاپ تهران – ایران

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

# مجاهد

ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشــــه هـــــای مقـــالات غیـــــر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضـع جمعیت نیست.

## شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا از عالي‌ترين آرزوهاي ملت

دور هفتم. سال پنجم شمارهٔ شانزدهم چهارشنبه ۱۱ اسد ۱۳۸۵ ۷ رجب المرجب ۱۴۲۶ – August 2 , 2006

# تـــداوم حمـــلات اســـرائیـل بـــر لبنــــان و فلســـطین و گسترش روز افــزون مقــاومــت

مصطفی شهری



دیـروز جنـگ اسـرائیل برضـد لبنـان بیســـت و یکمـــین روزش را پشـــت سرگذاشت. این جنـگ کـه بـه بهانـهء رهـا ســـازی دو اسـیر اسـرائیلی از دســـت نیروهـــای حـــزب الله در جنـــوب لبنـــان توسـط اسـرائیل آغـاز گردیـد و اسـرائیل در ایـن مـدت از هرگونـه نیـروی هـوایی و دریـایی و زمینـی خـود در جهـت سـرکوب مقاومـت مـردم لبنـان و فلسـطین اسـتفاده کـرده اسـت. امـا بـه تحلیـل بسـیاری از کارشناسـان امـور جنـگ در داخـل و خـارج اسرائیل به ویـژه مطبوعـات غربـی اسـرائیل در ایـن جنـگ بـه هـیچ هـدفی از هـدافش دست نیافته است.

یکـی از اهـداف اساسـی اسـرائیل از ایـن جنـگ برضـد لبنـان بیـرون رانـدن حـزب الله از جنـوب ایـن کشـور بـود، اسرائیل نه تنهـا بـه ایـن کـار موفـق نشـده اسـت بلکـه حـزب الله در داخـل و خـارج لبنان از حمایت گسـترده تـری در طـی ایـن جنگ برخوردار شده است.

اکنـون همـهء مـردم لبنـان از مقاومـت حمایـت مـی کننـد دیـروز کمیسـیون اســـلامی و مســـیحی لبنـــان در یـــک همـایش حمایـت مسـلمانان و مسـیحیان را از مقاومت اعلام کردند.

در داخل اسـرائیل نیـز نارضـایتی هـایی فزاینده در قبـال جنـگ ایـن کشـور برضـد لبنـان بـه وجـود آمـده اسـت، چـون بـرای نخسـتین بـار اسـت در طـول عمـر رژیـم اسـرائیل شـهرهای آن و حتـی عمـق هـای ۶۰ و ۷۰ کیلـومتر از مـرز لبنـان توسـط موشـک هـای حـزب الله مـورد هـدف قـرار مـی گیـرد کـه ایـن قـدرت موشـکی حـزب الله رونـد زنـدگی اسـرائیلیان را در بسـیاری از شهرهای آن مختـل کـرده اسـت. اکنـون بسـیاری از سـاکنان شـهرهای اسـرائیل در حالت بیم و خوف به سر می برند.

در مقابـل اسـرائیل بسـیاری از زیـر سـاخت هـای اقتصـادی لبنـان و فلسـطین را در ایـن جنـگ نـابود کـرده اسـت. شـمار شهدای لبنان تـا دیـروز بیشـتر از ۸۰۰ تـن مـی رسـید کـه اکثریـت آنـان را زنـان و کودکان تشکیل مـی دهنـد. کشـتار جمعـی روستای قانـا در جنـوب لبنـان کـه در آن در حـدود ۶۰ تـن کـه بیشـترینه کودکـان و زنـان بودنـد جـان هـای شـان را از دسـت دادنـد، موجـب محکومـت بیشـتر اسـرائیل در سراسـر جهـان و حمایـت از مـردم لبنـان و فلسطین گردید.

اما شمار زخمیـان لبنـان در ایـن جنـگ تا کنون از مرز ۳۰۰۰ نفر گذشته است.

بـا آن کـه اسـرائیل در ایـن مـدت از جنـگ نتوانسـته اسـت پیشـرویی داشـته باشـد تلفـات و خسـاراتی زیـاد را متحمـل شـده اسـت. برخـی از منـابع شـمار کشـته شـدگان در جانـب اسـرائیل را بـه بـیش از ۲۰۰ نفر گـزارش مـی دهنـد. در ایـن حـال حـزب الله مـدعی شـده اسـت کـه چنـدین تانـک و یـک کشـتی اسـرائیل را دیـروز نابود کرده است.

در عرصهء دیپلوماسـی بـا وجـود تـلاش هـایی از سـوی دبیـر کـل سـازمان ملـل کـوفی عنـان و کشـورهایی ماننـد فرانسـه و ایـران و عربسـتان سـعودی، مـوفقیتی در زمینهء ایجـاد آتـش بـس فـوری بـه دسـت نیامده است.

فرانسـه و ایـران هـر دو کشـور جهـت پایـان دادن بـه ایـن بحـران خواسـتار آتـش بـس فـوری و بـدون هـیچ گونـه شـرطی هستند.

عربسـتان سـعودی در روزهـای اخیـر فعال تـر از روزهـای نخسـت بـه نظـر مـی آیـد و وزیـر خارجـهء آن تـلاش دارد کـه وزیـران خارجـهء کشـورهای جامعـهء عـرب را در بیـروت گـردهم جمـع کنـد تـا در دربارهء لبنان به موضعی مشترک برسند.

هرچنـد خـانم کونـدولیزا رایـس در سـفر دومـش بـه خاورمیانـه پـس از آغـاز حمـلات اسـرائیل بـر ضـد لبنـان در هفتـهء گذشته گفته بـود کـه وقـت برقـراری آتـش بـس فرا رسیده است ولـی تـا کنـون آمریکـا خواسـتار آتـش بـس فـوری در ایـن جنـگ نشـده اسـت همچنـان نخسـت وزیـر اسرائیل ایهود المـرت بـرای او در ایـن سـفر گفته بـود کـه بـرای آتـش بـس ۱۰ تـا ۱۵ روز دیگر نیاز دارد، تـا بتوانـد اهـداف خـود را تحقق بخشد.

پنجشـنبهء آینـده سـران کنفـرانس کشـورهای اسـلامی بـه دعـوت مـالزی در کشـور کوالامپـور جهـت بررسـی اوضـاع لبنـان و فلسـطین تشـکیل جلسـه مـی دهند، دیده شـود کـه کشـورهای اسـلامی چـه تصـمیمی مـی تواننـد در ایـن زمینـه اتخاذ کنند.

# سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل و حزب رفاه ملی افغانستان کشتار جمعی قانا توسط رژیم اسرائیل را محکوم کردند

سفارت جمهوری اسلامی ایران و حزب رفـاه ملـی افغانسـتان بـا انتشـار اعلامیـه یـی جداگانـه کـه بـه دفتـر مجاهـد رسـیده اسـت کشـتار جمعـی در روسـتای قانـا در جنـوب لبنـان توسـط اسـرائیل را محکوم کرده اند.

روز یکشـنبه ۸ اسـد ۱۳۸۵ نیروهـای اسـرائیلی یـک سـاختمان را کـه در آن فراریـان جنـگ از روسـتاهای دیگـر جنـوب لنـان پنـاه بـرده بودنـد هـدف بمبـاران قـرار داد و نزدیـک بـه ۶۰ تـن را کـه غالباً زن و کودک بودند به شهادت رسانیدند.

در اعلامیهء سفارت جمهور اسـلامی ایـران آمـده اسـت: "ایـن کشـتار از نگـاه تمـامی مـردم جهـان نقض آشکار بدیهی تـرین اصـول حقـوق بشـری و مبـانی و ارزش هـای انسـانی بـود. ایـن رژیـم قـبلاً نیز در سال ۱۹۹۶ طی جنگ ۱۶ روزه علیـه لبنـان بـا حملـهء توپخانـه یـی هدفمنـد و عمـدی خـود بـه ساختمان نیروهای سازمان ملـل متحـد واقـع در همـین روسـتا ۱۰۷ تـن از مـردم بـی گنـاه پنـاه گرفتـه در آنجا را به قتل رسانید".

در ایـن اعلامیـه همچنـان آمـده اسـت: "سـفارت جمهـوری اسـلامی ایـران در کابـل، ضـمن محکـوم کـردن ایـن حادثـهء دردنـاک و ادامـهء نقـض مسـتمر قـوانین، مقـررات و کنوانسـیون هـای بـین المللـی در جنوب لبنان و اظهار همدردی بـا مـردم آن کشـور وطلـب آمـرزش الهـی بـرای قربانیـان ایـن فاجعـه و دیگـر شـهدای لبنـان و فلسـطین، از کلیـه کشـورها، سـازمان هـای جهـانی بـه ویـژه سـازمان ملـل متحـد و سـایر مجامع حقـوق بشـری و افکـار عمـومی مـردم جهـان اکیـداً درخواسـت مـی نمایـد، بـا تـلاش هـا و کوشـش هـای خیرخواهانـه و انسـان دوسـتانهء خـود موجبـات توقـف هرچـه زودتـر اقـدامات لجـام گسـیخته و نقـض مکرر حریم هوایی، دریایی و زمینی لبنان از سوی این رژیم گردند".

# تقبیح حملات اسرائیل بر فلسطین و لبنان توسط سازمان ها و نهادهای افغانستان ادامه دارد

از آغاز حملـهء وحشـیانهء اسـرائیل بـر لبنـان در بیش از بیسـت روز پـیش پیوسـته ایـن عمـل وحشیانهء اسـرائیل برضـد لبنانیـان و فلسـطینیان آز سوی مـردم مسـلمان افغانسـتان، سـازمان هـا و نهادهای کشـور مـورد تقبـیح قـرار گرفتـه و از مردم لبنان و فلسـطین در ایـن جنـگ حمایـت و پشتیبانی شده است.

جمعیـت اسـلامی افغانسـتان ایـن عمـل جنایتکارانـهء رژیـم اسـرائیل را مرتبـاً بـه وسـیله هـای گونـه گـون محکـوم کـرده اسـت. روز دوشنبه ۹ اسد جهت تقبـیح ایـن تجـاوز اسـرائیل بـر فلسـطین و لبنـان همایشـی زیـر عنـوان "مجلـس همبسـتگی بـا مسـلمانان مظلـوم فلسـطین و لبنـان" از سـوی شـماری از سـازمان هـای سیاسـی و نهادهـای اجتمـاعی در هتـل انصاف برگزار گردید.

در ایـن همـایش مهنـدس احمدشـاه احمـدزی رئـیس حـزب اقتـدار ملـی افغانسـتان و مولوی حبیـب الله رئـیس شـورای ولایتـی کابـل و استاد سـید عنایـت الله شـاداب اسـتاد فاکولتـهء شـرعیات و آیـت الله صـادقی پروانـی و محمـد میـرویس غیـاثی و محمـد عـاطف رئـیس مؤسسـهء جمعیـت اصـلاح اجتمـاعی سـخنرانی کردنـد کـه هـر کـدام بـر ضـرورت حمایـت از مـردم مظلـوم فلسـطین و لبنـان و تقبـیح تجـاوز و هجـوم اسـرائیل بـر ایـن سـرزمین هـا تأکیـد ورزیدند.

در پایان این همایش قطـع نامـه یـی قرائـت شـد کـه در آن از سـوی اشـتراک کننـدگان در این همایش اقدامات ملـل متحـد جهـت بـر قـرار کـردن آتـش بـس فـوری را ناکـافی خوانـده و از حمایت آمریکا از اسـرائیل نکـوهش شـده اسـت. همچنـان در ایـن اعلامیـه از تمـام کشـورهای عربـی و اسـلامی خواسـته شـده اسـت از موقـف فلسطینیان و لبنانیان حمایت صورت بگیرد.

همچنان تقبـیح تجـاوز اسـرائیل را بـر لبنـان توسط دولـت ناکـافی تلقـی کـرده و خواسـتار آن شدند کـه دولـت افغانسـتان بـه عنـوان نماینـدهء مـردم مسـلمان افغانسـتان در ایـن زمینـه موضـعی شـدید تـر اتخـاذ کنـد. و نیـز در ایـن قطـع نامـه تـذکر رفتـه اسـت کـه هـلال احمـر افغانسـتان در همـهء مسـاجد کشـور صـندوق هـایی را جهـت جمـع آوری اعانـه بـرای ستمدیدگان لبنانی و فلسطینی بگـذارد تـا مـردم مسلمان افغانسـتان بتواننـد بـرادران فلسـطینی و لبنانی را از این راه یاری کنند.